

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون اراجیف رژیم ارتجاع



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۶۶ برابر ۲۰ مارس ۱۹۸۷
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۵۰

شکست توطئه سرکوب در تارکی

سالها بود که توطئه می‌چیدند، تعقیب می‌کردند، به این درو آن در می‌زدند، به هر جایی که نشانی می‌یافتند یورش می‌آوردند، دستگیر می‌کردند، به زندان می‌افکندند، شکنجه می‌کردند و در برابر جوخه اعدام می‌نهادند، اما سخنی نمی‌گفتند، ادامه کاری ما خاری در چشمان بوده و همواره خواهد بود. آنان در طی این سالها به تجربه دریافته‌اند با نیرویی سرکار دارند که می‌جوشد و برمی‌آید و می‌توفد، نیرویی مستحکم با سازمانی بزرگ، گسترده و سراسری، نیرویی ریشه دار و دارای پیوندهای عمیق با کارگران و زحمتکشان دستگیر کردند، دهها نفر دیگر و طلبه رفیق دستگیر شده را عهده دار گشتند، اعدام کردند، خشمشان فزونی گرفت و با اراده‌ای مصمم در راهی که رضی‌ها پیشتر از آن بودند، گام برداشتیم.

آنها می‌توان با یورش گسترده‌ای که نمره چندین سال فعالیت امنیتی بود ۱۰۰ نفر را دستگیر کرد و باز سخنی نگفتند؟ آنها می‌توان جوخه‌های اعدام را برای تیربارانهای جمعی مهیا ساخت و این جنایات را پوشیده داشت؟ آنها می‌توان برای نیرویی با این گستردگی و با این ریشه‌ها و پیوندهای عمیق توطئه سرکوب در تارکی را در از مدت پیش برد؟ جمهوری اسلامی مدتها درگیر این سئوالات بود و در

بقیه در صفحه ۲

رژیم ارتجاع اگر چه اکنون ناچار به دریدن پرده سکوت شد، لیکن نیرنگ‌ها و دروغ‌های تازه‌ای ساز کرده است تا مگر بر امید مردم به پیروزی در رزم‌شان خدشه‌ای وارد نکند. رژیم در عین حال کوشیده است با ارائه کارنامه جنایات خود علیه کمونیست‌ها، امید و اعتماد امپریالیسم آمریکایه حل مسایل فی‌مابین را باز هم تقویت کند. عمال رژیم کوشیده‌اند تا با آمارسازی و دروغ‌پردازی درباره جنایات خود علیه سازمان - که حقایق آن توسط سازمان تماما به آگاهی مردم رسیده است - در عزم و امید خلق به پیروزی بر رژیم خلل وارد کنند.

علیرغم یورش‌های ددمنشانه رژیم در تابستان بقیه در صفحه ۲

موطن!
در تاریخ ۲۷ اسفندماه رژیم ارتجاعی خمینی سرانجام زیر فشار افکار عمومی در کشور و در جهان، گوشه‌ای از جنایات خود علیه فدائیان خلق ایران را فاش ساخت و در آستانه نوروز، چنگ دیگری خون به روی مردم ایران پاشید.

سران رژیم مدتها کوشیدند تا مگر از انعکاس نبرد سترگ فدائیان در همه میدانهای کارزار انقلابی کشور جلوگیری کنند. آنها هنوز هم حماسه ایستادگی فدائیان خلق را در شکنجه‌گاهها و میدانهای اعدام از چشم خلق پنهان می‌کنند. اما عظمت رزم و ایقار فدائیان و انعکاس گسترده ددمنشی‌ها و جنایات رژیم در سراسر جهان چنین تلاش‌هایی را با شکست و بربر و ساخته است.

فراخوان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به نیروهای ترقی حواء جهان

توطئه رژیم خمینی را در ارتکاب جنایات جدید خنثی سازیم

در صفحه ۲

کنفرانس مشترک پیرامون جنگ ایران و عراق در پارلمان اروپا

رفیق مهدی فتاپور:

از صدور سلاح به ایران جلوگیری کنید!

رژیم خمینی دانست و خواستهای سازمان ما را بدین شرح برشمرد:
۱ - برقراری آتش بس، ۲ - بازگشت نیروهای نظامی دو کشور به مرزهای شناخته شده بین المللی
۳ - آغاز مذاکرات صلح بر اساس قرارداد های بین المللی در جهت حل مسائل مورد اختلاف. رفیق فتاپور در سخنان خود خواهان قطع صدور اسلحه به جمهوری اسلامی گردید. نماینده کمیته مرکزی سازمان همچنین به تشریح اعدام و شکنجه انقلابیون توسط رژیم خمینی بقیه در صفحه ۷

در روز چهارشنبه ۱۷ مارس، به دعوت گروه پارلمانی کمونیست‌ها و متحدانشان در پارلمان اروپا، نمایندگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست عراق و حزب دمکرات کردستان عراق در محل پارلمان اروپا در استراسبورگ حاضر شده اعضای پارلمان اروپا را در جریان مصایبی که مردم ایران و عراق از ناحیه جنگ و مردم کردستان به علت سرکوب و وحشیانه

رژیم خمینی، سال ۶۶ را نیز سال جنگ اعلام کرد

چهارمین سال

این، صد و پنجاهمین شماره "اکثریت" و نخستین شماره سال چهارم آن است. در سه‌سالی که از عمر نشریه می‌گذرد، کوشیده‌ایم در افشای چهره کریه رژیم ددمنش خمینی، در رساندن اخبار و گزارشهای میهن به ایرانیان مقیم خارج از کشور، در بسیج به منظور مبارزه در راه صلح و آزادی، در خدمت به امر تحکیم وحدت صفوف نیروهای چپ و ترقیخواه سهم خود را ایفا کنیم. افزایش مداوم تیراژ نشریه و سیر صعودی کیفی آن، به ما امید و نیرو بخشیده است، امید و نیرو برای ادامه راهی که سه سال پیش آغاز کرده‌ایم و در چهارمین سال نیز آن را ادامه خواهیم داد.

خطبه‌های نماز جمعه تهران بار دیگر تاکید کرد "تا زمانی که صدام در صحنه باشد" جنگ ادامه خواهد یافت و "هیچ چیز جز پیروزی در جنگ را قبول نمی‌کنیم." سایر سران رژیم مانند رفسنجانی و موسوی نخست وزیر نیز در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود در آستانه آغاز سال ۶۶، از ادامه جنگ و کشتارهای باز هم بیشتر سخن گفتند.

در روزهای پایانی اسفند و در ایام نوروز، رسانه‌های دولتی بقیه در صفحه ۷

جمهوری اسلامی به همراه نداشته است. تنها دو روز پس از آغاز کربلای ۷ در روز ۱۴ اسفند، اخبار و گزارشهای منتشر شده از سوی رژیم تنها به مواردی نظیر "دفع یاتک سنگین دشمن" و "تحکیم مواضع" در منطقه عملیاتی کربلای ۷ محدود گردید. بنابراین همانگونه که ما در "اکثریت" شماره ۱۴۸ نوشتیم، کربلای ۷ حمله‌ای بود برای این که حمله‌ای شده باشد.

در آخرین روز سال ۶۵، خامنه‌ای رئیس جمهور در

سال ۱۳۶۵ نیز که سردمداران رژیم فقها آن را سال پیروزی در جنگ علیه عراق خوانده بودند به پایان رسید، بی‌آنکه دهها هزار کشته‌ای که جملات جنون‌آمیز این سال پرشار قربانیان افزود، ذره‌ای از جنگ طلبی خمینی جنایتکار بکاهند. در آخرین روزهای سال ۶۵، عملیات کربلای ۷ را در جبهه شمالی به راه انداختند. از تبلیغات حکومتی پیرامون این عملیات کاملاً پیدایم بود که یورش مزبور هیچ دستاورد نظامی برای

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

شکست توطئه سرکوب در قاریکی

بقیه از صفحه اول

عمل به ناکام ماندن توطئه‌هایش پی برد. فدائیان افشاکری می‌کنند، رودیوار و شهرها را با شعار می‌پوشانند، دهها هزار اعلامیه و نشریه پخش می‌کنند، به درون کارخانه‌ها آگاهی و تشکل می‌برند، جهانیان را مخاطب قرار می‌دهند و در عرصه گیتی رژیم را رسوا می‌سازند. با توطئه سرکوب در قاریکی نمی‌توان به مصاف با این نیرو برخاست. جمهوری اسلامی مغرب و شکست خورده به توطئه‌های دیگری رو آورد.

این بار عکس دوره قبل، صدای تازیانه‌ها در شکنجه‌گاه‌ها و صدای رگبار جوخه‌های اعدام باید به زعم خمینی در یک مهابوری گوش‌خراش گم شود. جمهوری اسلامی به این نتیجه رسید و از ایلر و به یکباره روزنامه‌های جیره‌خوار رژیم نیتزر زدند که به فدائیان حمله آورده و از جمله ۷۰۰ تن از افراد تشکیلاتی آنان را دستگیر کردیم. رادبو و تلویزیون و مطبوعات رژیم یکباره فریاد کشیدند که این نیرو در همه جا حضور دارد؛ در کارخانه‌ها، در ادارات، در ارتش.

جمهوری اسلامی تاکنون مدام از نابودی سازمانهای انقلابی سخن می‌گفته است، اما در مورد سازمان ما نتوانست این ادعای کثیف و باوه را پیش کشد، برهقای تشکیلات ما و استمرار مبارزه آن اعتراف و تائید کرد و گوشید پیشاپیش خود را از این سوال برهاند که پس چیست آن دعاویبتان و این جلوه‌های روشن رژیم فدائیان؟

توطئه‌های تبلیغاتی رژیم که مکمل جنایاتشان در پیگرد و دستگیری و شکنجه و اعدام فدائیان است همچنان ادامه خواهد یافت. با این توطئه‌ها همگان آشنایند. رژیم تیرباران می‌کند و آیه پاس می‌خواند تا بکوشد فریادهای حماسی تیرباران شدگان برد گسترده‌ای نیابد. رژیم دم از برچیدن سازمان می‌زند تا خلق را بفریبند و به زعم خود امیدشان را به ناامیدی تبدیل سازد.

پاسخ ما به همه این توطئه‌ها روشن است. می‌گویند اعدام می‌کنیم و اعدام می‌کنند. ما می‌گوییم؛ می‌رژیم تا در دادگاه خلق سزای اعمالتان را بدهیم. می‌گویند؛ سازمانتان را منهدم می‌کنیم. می‌گوییم؛ رژیم ما در سرتاسر ایران جلوه‌های روشنی دارد. تا آرمان مبارزه پا برجاست ما پا بر جاییم. این آرمان همواره تابناک و فروزنده است. پس ما می‌مانیم و می‌رژیم و تبشه بر ریشه اهریمنی‌تان می‌رژیم. تداوم رژیم ما در سرتاسر ایران حتی پس از بورش گسترده درخیمان گواه عزم ماست. می‌گویند؛ در کنار بساط شکنجه و شلاق، در کنار میدانهای تیر بر روحیه پاس و شکست و بریدگی تکیه می‌کنیم و این سلاح را نیز مکمل رگبارهای مداوم جوخه‌های اعدام می‌سازیم. می‌گویند؛ مبارزه برای ما به معنای استواری و پایداری است. ما در این زمینه تاریخ پر افتخاری رادر پشت سر داریم. پاسخ ما رژیم است، پاسخ ما استواری است، پاسخ ما رضی

تابان است، پاسخ ما شهیدان بوژادی است، پاسخ ما رفقا ابراهیم لطف‌الله زاده، مؤذنی‌پور، تقی قانع خشکه بیجاری و هزاران بیکارجوی دلآوری است که پایمردیشان صدها برابر فراتر از قوت بازوی شلاق به کفان و شکنجه‌گران شامت.

فدائیان ایستادند. فدائیان ایستادند. می‌گویند؛ از تزلزل و تفرقه دم می‌رژیم. می‌گویند؛ چشمتان کورتر از این باد که نمی‌توانید این واقعیت را ببینید که اگر بحثی هست همه بر روی چگونگی پیشبرد فعالیت مبارزه در راه سرنگونی رژیم پلیتد شامت. ما در سرتاسر جنبش با این ایده شناخته شده‌ایم که همه نیروهای پیشرو و ترقی‌خواه می‌توانند و باید که بخاطر تسریع مبارزه برای سرنگونی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی متحد گردند، آری، رژیم با همه سلاحهای خود به میدان می‌آید، از شکنجه و اعدام گرفته تا تلاش برای ایجاد تفرقه در صفوف سازمان و گسترش آن در صفوف جنبش. ما نیز با همه قوای خود به میدان می‌آئیم و در این رژیم در درجه نخست انگامان بر وحدت مبارزاتی صفوف فدائیان و اراده و استواری و عزم آنها برای اعتلا بخشیدن به مبارزات کارگران و زحمتکشان کشور است. در این رژیم پیوندهای عمیق با مردم امکانات بی‌پایانی رادر اختیار ما می‌گزارد. ما متکی بر مردم و آرمانهای مردم خود هستیم.

مردم تحت ستم ایران اکنون جمعی از وفادارترین و رزمنده‌ترین فرزندان شما در زیر وحشانه‌ترین شکنجه‌ها قرار دارند. رژیم با شکنجه آنها بر آرمانهای شما تازیانه می‌کوبد. رژیم فدائیان را تقویت کنید و فریاد خود را علیه رژیم شکنجه و

کشتاره علیه حکومتی که وجودش با جنگ، با گسترش فقر و بیکاری و گرسنگی و بی‌عدالتی سرشته شده است، راسر سازید.

فدائیان ا بر شتاب و گسترده‌گی رزمشان بیفزایید. ما به جای هر رفیق دربند باید ده نفر را بشناسیم.

نیروهای آزاده و ترقیخواه ا در برابر جبارو جنجال‌های نفرت انگیز رژیم باید خروش متحدانه مانشیلند. دفاع از جان فدائیان در بند مرصه رژیم گسترده نازده است. رژیم از تفرقه در صفوف جنبش ما سخن می‌گوید. با اتحاد عملمان در دفاع از جان زندانیان سیاسی، با اتحاد عملمان برای افشای سرکوبگریهای رژیم، با اتحاد عملمان در راستای سرنگونی حکومت خمینی بر دهان‌های باوه‌گر مشت کوبیم و مبارزه برای برچیدن بساط سرکوب و شکنجه و جنگ و بی‌عدالتی را شتاب بخشیم.

رفقا! بر ماست که یک لحظه نیز از پا نشینیم. ما در خارج از کشور برای مخاطب قرار دادن جهانیان امکانات وسیعی در اختیار داریم. بها. خیزیم تا فریادهای حماسی رفقای دلیر دربندمان و همه انقلابیون اسپر رادر چهار گوشه گیتی بازتاب دهیم. ما پیام رسانان رژیم کارگران و زحمتکشان میهنمان در این سو و آنسوی جهانیم. هر چه بر تلاش خود بیفزاییم جهانیان بدینتر با عظمت مبارزه‌ای که در میهن ما جریان دارد، آشنا می‌شوند.

به پیش این است پیام رفقای دربند ما. به پیش اهر شتابتر و استوارتر!

به پیش می‌تازیم و از پا نمی‌نشینیم. ما با رژیم خود استواری رژیم و آرمان طبقه کارگر ایران را به اشکات می‌رسانیم.

اظهارات و یاهوهای

قائم مقام ساواک جمهوری اسلامی

جیت نفوذ در ارگانهای نظامی، داشتن امکانات غیرقانونی از قبیل جعل اسناد دولتی و نظامی، داشتن سلاح، فعالیت در کردستان، کارشکنی و اختلال در مراکز تولیدی و اقتصادی، تائید و تشویق گروههای مخالف جمهوری اسلامی و... (به نقل از روزنامه "رسالت")

در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان "پیرامون اراجیف رژیم ارتجاع" تاکید شده است دعاوی رژیم در مورد ضربه به سازمان به یورش

اقتصادی، شناسنامه، گواهی‌نامه، کارتهای شناسایی ارگانها، برگ پایان خدمت و مقادیری اسلحه، مهمات، سیانور، چندین انبار کاغذ، مرکب چاپ، وسایل نقلیه، تعدادی اماکن مسکونی و تجاری و چندین میلیون ریال وجه نقد که عده اینها در راه فعالیت‌های غیرقانونی به کار می‌رفته است، کشف گردیده است.

قائم مقام ساواک جمهوری اسلامی در ادامه مصاحبه خود "جرایم" ما را چنین برشمرد: براندازی جمهوری، اسلامی، تلاش در

رژیم، یورش به سازمان ما را با مصاحبه ۲۷ اسفند فلاحیان، قائم مقام وزارت اطلاعات (ساواک ج. ا) علنی کرد. وی در این مصاحبه ابتدا مدعی گردید: "۸۰ درصد ضربه را مشاورین سرکوبیت، کادرها، اعضا و هواداران تشکیلات به همراه شبکه‌های مخفی در ادارات دیده‌اند که در بین دستگیرشدگان، ۷۰۰ نفر عوامل تشکیلات بوده‌اند." (رسالت ۲۸ اسفند) در فرمولبندی عبارت مربوط به دستگیرشدگان، اعتراف به دستگیری افراد بیشتری نفته است.

فلاحیان در ادامه مصاحبه خود افزود: "از خانه‌های تیمی مقادیر معتنابی اسناد و مدارک دولتی، هم‌راهی ارگانها و نهادهای انقلابی و دولتی، جعل سند، امکانات انتشاراتی... دفترچه‌های بسیج

برمی‌گردد که "حقایق آن توسط سازمان تماما به آگاهی مردم رسیده است." مزه کوبی‌های دیگر قائم مقام ساواک جمهوری اسلامی ست تبلیغات آینده رژیم علیه ما را روشن می‌سازند. چند محور اصلی اراجیف آینده رژیم بر مبنای آنچه که فلاحیان گفته است، عبارتند از: ۱- تلاش برای بزرگ جلوه دادن ضربه اگر چه حتی خود فلاحیان جرات نکرد به‌روال همیشگی در قبال سازمان‌های سیاسی از نابودی سازمان سخن گویند و بناچار اعتراف کرد که مبارزه سازمان در داخل کشور ادامه دارد. ۲- تلاش در جهت ایجاد روحیه پاس و شکست بر طبق سیاست همیشگی رژیم در مورد همه گروههای سیاسی. ۳- یاهو کوبی در مورد اختلاف و تفرقه در صفوف سازمان و صفوف جنبش.

فراخوان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به نیروهای ترقی خواه جهان توطئه رژیم خمینی را در ارتکاب جنایات جدید خنثی سازیم

نقشه کشتار وسیع فداییان اسیر را در سر می‌پروراندند. گروهی از فداییان زندانی در خطر جدی تیرباران قرار دارند. همچنین باید افزود اعمال شکنجه و رفتار غیر انسانی با فداییان زندانی همچنان با شدت ادامه دارد. شکنجه گران جمهوری اسلامی جمع کثیری از چند هزار زندانی فدایی که در طی ۸ سال حکومت خمینی دستگیر گردیده‌اند به ویژه دستگیرشدگان تابستان سال ۶۵ را به زیر فشار و شکنجه مجدد کشانده‌اند. رژیم خمینی از اعمال این گونه شکنجه‌ها در هم شکستن زندانیان و اادار ساختن آنان به ترک عقاید ایدئولوژیک، سیاسی‌شان را دنبال

مصاحبه مطبوعاتی معاون وزارت اطلاعات رژیم خمینی در روز ۱۸ مارس ابعا د توطئه جدیدی را که در قبال فداییان اسیر در زندان‌های جمهوری اسلامی تدارک دیده شده است آشکار ساخت. در این مصاحبه مطبوعاتی معاون وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی اعتراف کرد که در طول تابستان سال ۶۵، ۷۰۰ تن از فدائیان خلق دستگیر و به زندان افکنده شده‌اند. بیش از آن رژیم جمهوری اسلامی از انتشار هرگونه خبری در این زمینه خودداری می‌کرد. مقامات حکومت جمهوری اسلامی در مقابل سازمان ما از تاکتیک "سرکوب در تاریکی" استفاده نموده و کوشش بسیار داشتند که ربودن اعضا و هواداران سازمان از محل کار و زندگی در نهایت اختفا و بدور از چشم مردم صورت پذیرد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) طی اطلاعیه‌های متعدد منجمله اطلاعیه‌های کمیته مرکزی که در ماه‌های اکتبر و دسامبر انتشار یافت خبر یورش گسترده ماموران امنیتی رژیم به فداییان خلق را اعلام کرد. در طی این یورش که به دنبال شدیدترین پیکردها و اقدامات اختنافی صورت گرفت قریب هزار نفر از اعضا و هواداران سازمان مادستگیر شدند. خبر این دستگیریها در سطح ایران و جهان بازتاب وسیعی یافت.

جمهوری اسلامی تاکتیک "سرکوب در تاریکی" را از آن رو مورد استفاده قرار می‌دهد که در اعمال شکنجه‌های بی‌حد و مرز و بقتل رساندن در زیر شکنجه امکانات گسترده تری داشته باشد. اخبار رسیده از زندان‌ها حاکی است که دستگیرشدگان بلافاصله تحت شدیدترین شکنجه‌های قرون وسطایی قرار گرفته و برخی از آنان در زیر شکنجه بقتل رسیده‌اند. نام تعدادی از این رزمندگان شهید در اطلاعیه‌های قبلی انتشار یافته است.

اینک با شکست توطئه "سرکوب در تاریکی" و اعتراف مقامات امنیتی رژیم به این دستگیری‌ها، توطئه در حال اجرای جدیدی رخ می‌نماید. مطالب عنوان شده در مصاحبه مطبوعاتی معاون وزارت اطلاعات حکومت خمینی و اتهامات نسبت داده شده به فدائیان زندانی همین نقشه‌های تپیکارانه ای است که حکومت فقها برای سرکوب مبارزات مردم ایران تدارک دیده‌اند. آنان

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون اراجیف رژیم ارتجاع

بقیه از صفحه اول

سنگ بنای سازمان فدائیان را از روز نخست با جانبازی و فداکاری دلیرانه در راه خلق پی‌ریخته‌اند. ما خوب می‌دانستیم و می‌دانیم که هر مبارزه حق طلبانه ما، دفاع ما از طبقه کارگر، دهقانان و همه مردم زحمتکش، پیکار ما علیه جنگ، علیه آزادی‌کشی و چپاول سرمایه‌داری، سازمان ما را آماج انتقام جویی این رژیم جنایتکار ساخته است. اما ما همه هستی خود را در راه خلق نهاده ایم.

هم میهنان عزیز!

رژیم استبداد برای انتقام جویی از فدائیان خلق به پرونده سازی، دروغ‌پردازی و صحنه‌سازی‌های وقیحانه مشغول است. رژیم از هیچ توطئه‌ای که به یاری آن بتواند علیه فدائیان اسیر دست به جنایت زند، دریغ نخواهد کرد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه محافل ترقیخواه جهان تقاضا می‌کند که هر چه در امکان دارند برای افشا و خنثی کردن نقشه‌های ردیبلانه و جنایتکارانه رژیم خمینی علیه فدائیان اسیر و علیه همه زندانیان سیاسی کشور به کارگیرند.

ایمان راخ داریم که تلاش‌های جنایتکارانه و نیرنگهای مفتضحانه رژیم ارتجاع با شکست خفت بار و روبرو خواهد شد.

با همه امکان برای نجات میهن، برای دستیابی به صلح و دموکراسی، برای دستیابی به عدالت اجتماعی، صفوف فدائیان خلق را تقویت کنید. علیه سرکوب و کشتار فرزندان خود، علیه شکنجه و اعدام، فریاد اعتراض را رساتر سازید.

مرکز بر جمهوری اسلامی

زنده باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

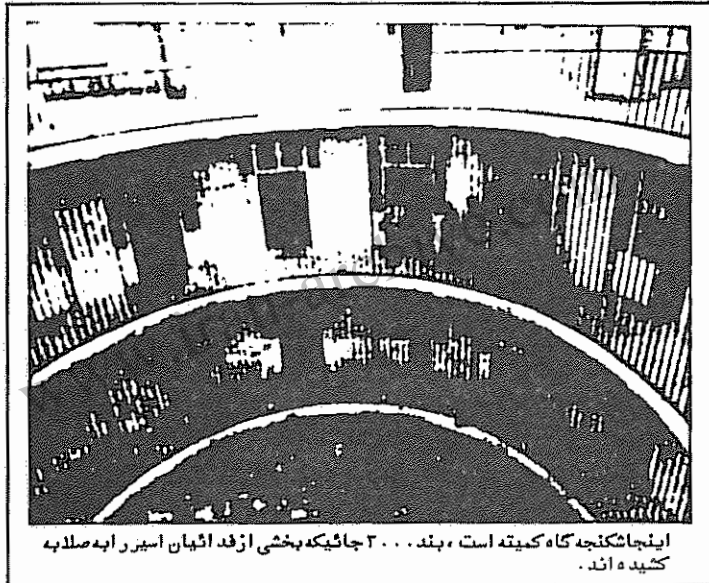
برافراشته‌باد پرچم رزم کارگران و زحمتکشان

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۸ اسفندماه ۱۳۶۵

کلاشته و دستگیری بیش از هزار نفر از کادرها و اعضا و اداران سازمان نیروهای متشکل و واحدهای رزمنده سازمان استوارتر از پیش در سراسر کشور پرچم پیکار قهرمانانه علیه ارتجاع حاکم را بر دوش می‌کشند.

رژیم منفور که بر اثر نفرت خلق در انزوای کامل قرار گرفته و شیرازه آن در اثر اختلافات سران جنایتکارش در حال از هم گسستن است، این بار برای تشدید جنگ روانی علیه سازمان ما به حقه تازه‌ای



متوسل شده و از گسست و تفرقه در صفوف سازمان ماسخن می‌گوید، خمینی بداند که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، کمیته مرکزی و همه کادرها و اعضا آن متحد و یکپارچه در پیکار برای بکور سپردن این رژیم منفور تا آخرین نفر ایستاده‌اند. خمینی بداند که ما فدائیان خلق پرچم اتحاد همه نیروهای دمکراتیک کشور، پرچم اتحاد همه فدائیان، توده‌ای‌ها، مجاهدین، دمکراتها و هر نیروی دیگری که علیه او و حامیان شاه مدفون پیکار می‌کنند را به دوش گرفته ایم. ما به نیروی این اتحاد ناقوس مرگ رژیم سرتا پا جنایت خمینی را در سراسر میهن طنین افکن خواهیم ساخت. پیروزی خلق در پیکار علیه خمینی قطعی است.

سران این رژیم پلید بدانند که

می‌کند. کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) همه نیروهای ترقیخواه، همه شخصیت‌های بشر دوست و همه سازمان‌های ذی ربط را فرا می‌خواند که برای مقابله با توطئه کشتار زندانیان فدایی و همه زندانیان سیاسی ایران، برای مقابله با پامال ساختن ابتدایی ترین موازین انسانی در زندان‌های جمهوری اسلامی، برای رهایی زندانیان سیاسی ایران و برای مبارزه با ترور و اختناق و سرکوب در ایران تمامی مساعی خود را بکار گرفته و از تمامی امکانات موجود سود جویند.

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۶ مارس ۱۹۸۷

تصویب لایحه بودجه در مجلس

فروش بنزین در بازار آزاد توسط دولت

از ابتدای سال ۶۶ علاوه بر فروش بنزین کوپنی به بهای هر لیتر ۳۰ ریال، بنزین بصورت آزاد ولی به بهای بالاتر نیز عرضه خواهد شد.

آقایان وزیر نفت، در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن اعلام این مطلب، افزایش بهای سایر مواد سوختی را نیز مطرح کرد. وی در زمینه علل افزایش بهای بنزین و عرضه آزاد آن گفت: «باین اقدام علاوه بر کنترل مصرف بنزین، احتیاجات آن دسته از مصرف کنندگانی که نیاز بیشتر دارند و قادر به پرداخت قیمت بازار آزاد هستند نیز رفیع خواهد شد. وزیر نفت سخنی از میزان بهای بازار آزاد به میان نیاورد.

آقایان عنوان کرد: میزان افزایش بهای بنزین از روز ۲۹ اسفند به صورت رسمی اعلام و از ابتدای سال ۶۶ به اجرا گذاشته خواهد شد. وزیر نفت در مورد تغییر بهای سایر مواد سوختی گفت: بهای نفت سفید، گازوئیل و نفت کوره از ابتدای سال ۶۶ افزایش خواهد یافت.

بنا به نوشته روزنامه اطلاعات ۲۷ اسفند، میزان افزایش قیمت دولتی انواع فرآورده های نفتی که از اول فروردین ماه به مورد اجرا گذاشته شده، به شرح زیر است:

- ۱- نفت سفید از لیتری ۲/۵۰ ریال به لیتری ۴ ریال
 - ۲- نفت کوره از لیتری ۱/۲۰ ریال به لیتری ۲ ریال
 - ۳- نفت گاز (گازوئیل) از لیتری ۲/۴۰ ریال به لیتری ۴ ریال
- لازم به یادآوری است هم اکنون مردم بیشتر مایحتاج سوختی و بنزین مصرفی خود را به بهای گزاف از بازار آزاد تهیه می کنند و دولت بادت زدن به فروش آزاد بنزین در کنار توزیع کوپنی آن، رسماً به عنوان گرداننده، وارد بازار اسبابه بنزین می شود.

میلیارد ریال آن بر بودجه جنگ اضافه شده است. به این ترتیب هزینه های مستقیم جنگ بیش از یک سوم کل بودجه کشور را شامل می شود.

در بند الف تبصره ۴۵ الحاقی به لایحه بودجه سال ۶۶ گفته شده: آن قسمت از اعتبارات پایگاه ها و پادگان ها و فرودگاههایی که در ارتباط با جنگ قرار می گیرند و انجام ساختمان و اتمام آنها اضطراری می باشد، زیر نظر فرماندهی جنگ و خارج از قانون محاسبات عمومی به مصرف خواهد رسید.

لازم به یادآوری است که بودجه سال ۶۶، بیش از یک هزار میلیارد ریال کسری دارد و سقف میزان استقراض در آن به قدری بالاست که در مجلس با پیشنهادهای جدید برای افزایش استقراض مخالفت گردید.

سخنان مهدی هاشمی و همکاران وی در تلویزیون جمهوری اسلامی

این باره برای هر چه کامل تر کردن پرونده ضروری گردیده است.

مهدی هاشمی و همکاران وی، در فیلم مزبور که در زندان از آنان تهیه شده و شب سه شنبه پخش گردید، ضمن اشاره به آدم ربایی، قتل، انتقال و اختفا سلاح، اعلام نمودند که عده ای از مخالفین خود را برپوده و به قتل رسانده اند. در این فیلم، هاشمی گفت: عباسقلی حسمت وعده ای از عوامل و یاری های وی به دستور برخی، در جلسه ای طرح تروری را ریخته بودند، او توانسته است با به قتل رساندن سه تن، توطئه علیه گروه خود را خنثی سازد.

باید افزود که سید مهدی هاشمی از نزدیکان منتظری بود که دستگیری وی و همکارانش تضعیف شدید موقعیت منتظری را به دنبال داشت.

لایحه بودجه سال ۱۳۶۶ در روزهای پایانی اسفندماه در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در لایحه بودجه سال ۶۶ اولویت ها به ترتیب: «جنگ، ساخت پناهنده ها و پدافند، واقعی کردن نسبی درآمدها و بویژه درآمد نفت و تامین اعتبار ارزی و ریالی طرح هایی که در این سال تمام خواهند شد» ذکر گردیده است.

در این لایحه «بودجه سال ۱۳۶۶ کل کشور از حیث هزینه ها و سایریرید اکت ها بالغ بر ۷۷ هزار و ۴۲۶ میلیارد و ۲۴ میلیون و ۷۵۴ هزار ریال»، پیش بینی شده است.

دری نجف آبادی مخبر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اعلام کرد: براساس مصوبه مجلس، در مجموع بیش از ۵۷ میلیارد ریال به بودجه مصوب کمیسیون برنامه و بودجه افزوده شد که مبلغ ۴۰

شبه اول تلویزیون جمهوری اسلامی روز سه شنبه ۲۶ اسفند، فیلمی از مهدی هاشمی و دو تن دیگر به نام رضا مرادی و محمد کاظم زاده را به نمایش گذاشت.

ساواک جمهوری اسلامی ساعاتی پیش از آن که فیلم مهدی هاشمی به نمایش درآید، با انتشار اطلاعاتی اعلام کرد که «در ادامه تحقیقات در رابطه با اتهامات مهدی هاشمی و افراد وابسته به او با پیگیریهای دقیق اطلاعاتی یکی دیگر از اتهامات نامبرده یعنی قتل و آدم ربایی پس از انقلاب به اثبات رسید». در ادامه اطلاعیه ساواک تخته شده است «با معلوم شدن کیفیت ربوده شدن و قتل سه نفر از اهالی قهرریجان»، پرونده مهدی هاشمی و گروه وابسته به او ابعاد تازه ای یافته و تحقیقات در

مخالفان پزشکان داروسازان کشور با طرح نمایندگان مجلس

در نشست که صبح روز جمعه ۲۲ اسفند با شرکت بیش از ۱۵۰۰ تن از داروسازان در محل جامعه داروسازان کشور تشکیل شد، «طرح مجوز ادامه مستقل داروخانه به کمک داروسازان»، مورد بررسی قرار گرفت، شرکت کنندگان به شدت با تصویب آن در مجلس مخالفت کردند.

یکی از سخنرانان جلسه، در مورد «لرح» نمایندگان مجلس گفت: در تاریخ ۲۶ بهمن تعدادی نزدیک به چهل تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طرحی امانی و پیشنهادی را برای تصویب به مجلس ارایه کردند. در این طرح از مجلس خواسته شده که نظارت دکتر داروساز از فروش دارو برداشته شود و هرکس که پانزده سال سابقه کار در داروخانه دارد بتواند امتیاز احداث بگیرد و خود به کمک چند شاکرد آن را اداره کند.

در این نشست اکثر شرکت کنندگان اظهار کردند که این طرح، یعنی تصاحب امتیاز مسولیت فنی داروخانه.

برای دادن ارز دانشجویی یک میلیون تومان وثیقه گرفته می شود

خود را با موفقیت گذرانده باشند، در مقطع لیسانس ۹ ماه، فوق لیسانس ۶ ماه و در مقطع دکترا ۹ ماه فرصت داده می شود تا تحصیلاتشان را خاتمه بدهند.

مدیر کل امور دانشجویان تاکید کرد برای بازگرداندن دانشجویان اعزامی، ضوابط جدیدی پیش بینی شده است. براساس این ضوابط، از این به بعد ارسال ارز به دانشجویان منوط به سپردن وثیقه ملکی با ضمانت بانکی خواهد بود. وی گفت برای شروع دوره فوق لیسانس معادل ۵۰۰ هزار تومان، شروع دوره دکترا ۷۵۰ هزار تومان و اخذ تخصص پزشکی مبلغ یک میلیون تومان در نظر گرفته شده است.

خوش گفتار در مصاحبه خود به توزیع کارنامه های ارزی دانشجویان در سال ۶۶ نیز اشاره کرد و گفت با توجه به ضوابط اعلام شده، در سال جاری از مجموع ۱۰ هزار کارنامه ارزی، کارنامه ۴ هزار تن صادر خواهد شد و به ۶ هزار دانشجوی دیگر هیچگونه ارزی تعلق نخواهد گرفت.

مدیر کل امور دانشجویان خارج از کشور اعلام کرد براساس بررسی های انجام شده در سال ۶۵، بیش از ۷۰ پرونده دانشجویی، مشکوک تشخیص داده شده که تاکنون در مورد ۲۵۰ فقره از این پرونده ها، اقداماتی مبنی بر مسانعت از ادامه تحصیل دارندگان آنها صورت گرفته است.

خوش گفتار، مدیر کل امور دانشجویان خارج از کشور که طی گفتگو با خبرنگاران مطلب فوق را بیان کرد، در پی سخنان خود با اشاره به عدم اعتبار برخی از دانشگاهها برای ادامه تحصیل دانشجویان، گفت: به دانشجویانی که در چنین دانشگاههای غیر معتبری مشغول به تحصیل هستند، از طرف شورای عالی ارزشیابی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، یک سال فرصت برای تغییر دانشگاه و انتقال به محل معتبر داده می شود. در پایان فرصت کسانی که نتوانند دانشگاه خود را تغییر دهند، از ارز تحصیلی محروم شده و مدارکشان فاقد اعتبار خواهد بود. وی متذکر شد، برای دانشجویانی که به طول مدت تحصیل برخورد می کنند، در صورتیکه دو سال آخر تحصیل

يك سال از مرگ ليلا سمدی گذشت



فراگرفته بود، خانه او به پایگاه کمک به سیل زدگان تبدیل شد و مادر پیشاپیش کمک کنندگان قرار داشت. ساکنین جوادی به هیچگاه فراموش نمی کنند که مادر برای نجات کودکی که در آب غوطه ور شده بود چگونه خود را به خطر انداخت تا او را نجات دهد.

در سال ۴۶ فرزند انقلابی مادر عزیز سمدی را دستگیر کردند و او هرچا فرصتی می یافت علیه شاه رژیم افشاکری می کرد و به همین دلیل مزدوران ساواک چند بار مادر را دستگیر کردند تا او را بشکنند و از ادامه مبارزه بازدارند ولی او با شجاعت تمام همه آنان را ناکام گذارد. او همراه با دیگر خانواده های زندانیان سیاسی در قزل قلعه و برازجان و قصر فعالیت افشاکرانه چشکیری را به انجام رساند. مزدوران شاه چندین بار مادر را تحت فشار قرار دادند اما نتوانستند او را از راه خود بازدارند. حتی با ابله

تقریب یک سال از مرگ مادر قهرمان لیلا سمدی گذشت. مادری که همواره و تا آخرین لحظات زندگی یار وفادار و پرشور همه فدائیان خلق بود. چهره شاد و خندان او را اکثر فدائیان به خوبی بیاد دارند. مادری که تمام زندگی متعلق به زحمتکشان بود. نگاهی کوتاه به زندگی سراپا مبارزه مادر برای تمام فدائیان خلق خاطره انگیز و درس آموز است. لیلا سمدی را اکثر اهالی زحمتکش جوادی به خوبی بخاطر دارند. در واقع می توان گفت او مادر همه بچه های محل بود، او توانسته بود محبوبیتی خاص در بین اهالی و کسانی که او را می شناختند کسب کند. او با حوصله زیاد و باور نکردنی و با شیوه خاص خودش مشکلات تمام بچه ها و اهالی را حل می کرد. چهره آرام و مصمم او به تمام اهالی نوید آینده ای روشن و بدور از بدبختی و فلاکت و فقر را می داد.

وقتی که جوادی به راه سیل

و ثایف انقلابی خودش را انجام می داد. در سال ۵۸ در مراسم جشن سالگرد سازمان درد انشگاه تهران وی طی سخنرانی خود گفت "من مادر عزیز سمدی نیستم من مادر همه فدائیان خلق هستم".

اوباش و عوامل رژیم جمهوری اسلامی بطرق گوناگون او را مورد آزار و اذیت قرار می دادند. پس از شهادت رهبران خلق ترکمن وی مدت کوتاهی زندانی گشت.

در جریان هجوم رژیم قرون وسطایی خمینی به فدائیان خلق و سایر انقلابیون مادر مجبور شد خانه خود را تغییر دهد. وی از بیماری سختی رنج می برد.

نشریه کار شماره ۱۶ درباره مادر، لیلا سمدی چنین نوشت: "مادر بامرگ خود همه فدائیان خلق و نیز مردم زحمتکش جوادی و جنوب شهر را در اندوه و تاجر فرو برد. او همواره بامرگم بود. او همراه با سازمان بود. او تا آخرین لحظه عمر خود یار وفادار و زحمتکش فدائیان خلق بود."

"یادش گرامی باد"

حضور خیر کشته شدن فرزند زندانی اش عزیز، نتوانستند به شادی دیدن ضعف در چهره وی نیل آیند. سال ۵۶ چهره مادر تغییر کرده بود. از چشمانش روشنایی خاصی می تراوید. پایه های حکومت شاه هر روز بیشتر لرزان می شد. خانه مادر پایگاه فدائیان خلق و سایر مبارزان شده بود. سال ۵۷ اهالی محل بلافاصله کوچه و خیابان مجاور به محل زندگی مادر رابه نام سمدی نام گذاشتند. دیگر مادر را نمی شد در محل دید. بیشتر بچه های محل برای دیدنش به ستاد سازمان می رفتند. او در آنجا مشتقانه و با پیگیری بی نظیری

خوردند و تعداد ۵۲۷۱ نفر تعزیر شدند. تعدادی هم قطع ید، اجرای حکم قصاص و رجم (سنگار) اجرا کرده است.

نتایج بررسی آماری کارگاههای شهری کشور

به نوشته روزنامه اطلاعات ۲۷ اسفند، نخستین نتایج آماری مشخصات پایه ای کارگاههای کشور در جامعه شهری منتشر گردید. این آمارگیری در سال ۶۴ و در ۵۰۲ شهر صورت گرفته است.

بنابراین آمارگیری، تعداد کارگاهها در مناطق شهری برابر با ۱۸۲۲/۹۱۹ واحد می باشد که از این تعداد ۱/۲۵۸/۶۸۶ کارگاه دایر و ۴۶۴/۷۴۲ کارگاه تعطیل بوده است. در این میان، ۹۷/۵ درصد کارگاههای دایر، از کارگاههای کوچک با یک یا دو نفر کارگر، و ۲/۵ درصد از کارگاههای بزرگ بوده است.

از کل کارگاههای دایر ۹۲/۹ درصد با مدیریت بخش خصوصی و ۶/۱ درصد با مدیریت بخش عمومی اداره می شوند که ۲۲/۶ درصد آنها در تهران و بقیه در سایر استانهای کشور قرار دارند. در کارگاههای دایر در تهران و شهرستانها، به تنگام آمارگیری، ۲/۸۶۸/۵۰۲ نفر مشغول بکار بوده اند که ۸۹/۸ درصد آنان مرد و ۱۰/۲ درصد زن بوده اند.

در ادامه این گزارش آماری، در مورد توزیع کارکنان در بخشهای مختلف اقتصادی گفته شده: از کل کارکنان، ۲ درصد در صنعت، ۲۹/۴ درصد در خدمات اجتماعی و ۲۰/۶ درصد در فعالیتهای بازرگانی و رفاهی و غیره به کار اشتغال دارند.

زنجانی در مورد نقش جمعیت در بودجه و سیاست جمهوری اسلامی در این زمینه گفت: یکی از مسایل مهمی که در آینده نگر برنامه ریزی و سیاست گذاری و تنظیم بودجه تاثیر دارد موضوع جمعیت کشور و نرخ رشد آن است. وی افزود: طی ده سال (از سال ۵۵ تا ۶۵) جمعیت کشور از ۲۳ میلیون به ۴۹ میلیون نفر رسیده است. این افزایش بطور متوسط سالانه ۱/۶ میلیون نفر است که در تاریخ رشد جمعیت کشور بی سابقه است. در سال ۱۳۲۰، نرخ رشد جمعیت ۰/۶ درصد و اخیرا در سال ۶۵، نرخ رشد جمعیت ۲/۲ درصد افزایش داشته است. زنجانی براساس همین نرخ رشد، پیش بینی کرد که در طول ۲۰ سال آینده جمعیت کشور دو برابر و در حوالی سال ۱۴۰۰، یعنی ۲۵ سال دیگر به رقمی حدود ۱۶۰ میلیون نفر و بعد از ۵۰ سال به ۲۰۰ میلیون نفر برسد.

زنجانی از این ارقام نتیجه گرفت که تئران نظامی جمهوری بالا خواهد رفت و مشکلی در فعالیت نظامی خود نخواهد داشت.

آمار احکام صادره

توسط شورای عالی قضایی در سال ۶۵

مقتدایی عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی، روز دوشنبه ۲۵ اسفند، طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی، بخشی از فعالیت و عملکرد دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در سال ۶۵ را تشریح کرد. وی در زمینه صدور احکام "حدود و تعزیرات" و اجرای آن گفت: در سال ۶۵ کل افرادی که به حد یا تعزیر بدنی محکوم شده اند ۶۴۶۷ نفر بوده اند که تعداد ۱۰۹۶ نفر به عنوان اجرای حدود تازیانه

از رویدادهای ایران

وزیر برنامه و بودجه: افزایش جمعیت ثوران نظامی را افزایش می دهد

مسعود زنجانی وزیر برنامه و بودجه طی سخنانی به هنگام بررسی لایحه بودجه سال ۶۶ در مجلس، به نمایندگان گفت: مواردی که در حال حاضر در برنامه ریزی و هزینه های دولت نقش اساسی دارند، عبارتند از:

- نقش جنگ در بودجه و گرایش دولت در تامین هزینه های آن
- نهادهای انقلابی و تاثیر آن در هزینه های دولت
- رشد جمعیت و اثر آن در برنامه ریزی و بودجه دولت

- بازسازی مناطق جنگ زده

زنجانی گفت: "تردید به وابستگی سرشوت جمهوری اسلامی به نتیجه جنگ و لزوم پیروزی در آن ندارد و به همین دلیل دولت تصمیم گرفته است تمام امکانات خود را در درجه اول در جهت حسن انجام امور مربوط به جنگ بکار بندد. زنجانی اضافه کرد: قسمت هزینه های دفاعی در کل بودجه سالهای ۶۰ تا ۶۶ گویای وزن هزینه های جنگ در بودجه عمومی است. ما در سال ۵۹ حدود ۱۸ درصد از بودجه کشور را به جنگ اختصاص دادیم، در سال ۶۵ به ۲۲ درصد و در سال ۶۶ که لایحه بودجه را داده ایم، ۲۴ درصد بودجه عمومی کشور به هزینه جنگ تخصیص داده شده است."

به مناسبت سالگرد برآمد اعتراضی خلق عرب خوزستان

جنبش خلق عرب ایران، شعله‌ای نامیرا

روزهای ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت ماه سال ۶۴، شهر اهواز صحنه تظاهرات خشمگین مردم عرب میهن ما علیه رژیم خمینی بود. بر زمینه نفرت عمومی از رژیم، انتشار مقاله‌ای تحت عنوان "اهواز در گذشته و حال" در یکی از ارگان‌های مطبوعاتی دولتی، محرک این حرکت وسیع اعتراضی شد. در این مقاله توهمین آمیز هم میهنان عرب ما، یک مشت کولی که از کشورهای عربی به ایران مهاجرت کرده‌اند، نامیده شده بودند. هدف مقاله انکار هرگونه حقی برای آیندستان مردم کشورمان بمنابۀ یک خلق بود و بدین سبب خشم برحق هم میهنان عرب ما را برانگیخت. اعتراض مردمی که در این رابطه از خانه‌های خود در لشکرآباد، رنجش آباد، کمپلو، امانیه و... بیرون آمده با شعار مرگ بر خمینی، مرگ بر پاسدار، دست به تظاهرات زدند، به شهرهای سوسنگرد و شادگان و حسیدیه و مناطق عرب نشین ماهشهر نیز گسترش یافت. در این مناطق اعتراضات پراکنده‌ای علیه انتشار مقاله مزبور صورت گرفت. در ماهشهر تظاهراتی بوقوع پیوست که زنان سهم آورنده‌ای در آن داشتند.

در اهواز تظاهرکنندگان بویژه جوانان و دانش آموزان با سنگ و بطری آتش زان به مقابله با مأموران مسلح رژیم پرداختند. در همه این حرکات ما فداییان شایق در شادوش خاق رنج دیده عرب حضور داشته و به دفاع از خواسته‌های آنان برخاستند.

در درگیری‌های شهر اهواز ۸ تن کشته، بیش از ۵۰ نفر زخمی و ۲۰۰ نفر دستگیر شدند. رژیم پس از مدت کوتاهی مجبور شد بجز ندادی از دستگیرشدگان که در میانشان عده‌ای از مردم غیر عرب نیز بودند، همه را آزاد کند. تظاهرکنندگان غیر عرب به زندان‌های درازمدت محکوم شدند. اکنون قریب دو سال از واکنش دلورانه خلق عرب در اهواز می‌گذرد. دو سالی که ارتجاع حاکم رنج‌ها و تلخکامی‌های باز هم بیشتری برای مردم ایران به ارمغان آورد و از این رهگذر سهم خلق عرب کم نبود. با اینهمه آياشعله خشمی که در سیمای یک برآمد قهرآلود گر گرفت، فرو مرد؟ بی‌شک چنین نیست. تا ستم هست، مبارزه هم هست. خیزش خلق عرب

ریشه در انزجار بیکران از ادامه ستم ملی و گسترش جنگ و ویرانی، سرکوب و اختناق و گرسنگی و بیکاری دارد.

فقر بی کسر آن

خلق عرب یکی از محرومترین خلقهای میهن ماست. هم اکنون بیش از ۷۰ درصد مردم شهرها و روستاهای جنوب خوزستان عرب هستند. اکثریت روستائیان عرب بصورت نیمه عشیره‌ای می‌زیزند. در شهرهای بزرگ اغلب کارگران روستات صنعتی خوزستان را عربها تشکیل می‌دهند.

درصد کمی خلق عرب در میان اقشار پایین جامعه خوزستان بالا، در میان اقشار متوسط اندک و در میان اقشار بالایی نزدیک به صفر است. آنها در نهادهای اداری و کشوری نیز به لحاظ شغلی از رده‌های پایینی برخوردارند. اکثر عربها به کارگری، کشاورزی و دستفروشی اشتغال دارند. در سال‌های ۵۸ - ۵۷ تعداد کارگران عرب صنایع فولاد، نورد اهواز، شرکت نفت راه آهن و توانیر و دیگر موسسات صنعتی و خدماتی اکثریت چشمگیری را نسبت به کارگران غیر عرب تشکیل می‌داد مستخدمان ادارات و بیمارستانها هم معمولاً عرب بودند. این نسبت در سال‌های اخیر چندان تغییری نکرده است.

سیاست‌های ضد ملی رژیم شاه و رژیم خمینی، خلق عرب میهن ما را از کمترین امکان برای نیکیختی و پیشرفت محروم نمود. عرب‌های ایران از فقر و فلاکت و عقب ماندگی شدیدی رنج می‌برند. در بسیاری از روستاها نه برق است، نه آب آشامیدنی است، نه حمام است و نه درمانگاه. بخش عظیمی از روستائیان در کهرهای حصیری زندگی می‌کنند. شرایط زندگی روستائیان عرب که در گذشته با درآمد ناچیز کشاورزی، نخلداری و حصیربافی به سختی روزگار می‌گذراندند، امروز بسی فلاکت بارتر از پیش شده است.

در شهرها فقیرترین محلات از آن عربهاست در محلات لشکرآباد و رفیش آباد که از کانونهای اصلی برآمد اردیبهشت ۶۴ بودند، بطور متوسط ۱۰ تا ۱۵ نفر در خانه‌های با

مساحت ۵۰ تا صد متر مربع زندگی می‌کنند. اکثر ساکنین این خانه‌ها را خانواده‌های کارگران عرب تشکیل می‌دهند.

با تعطیل شدن برخی از موسسات تولیدی و صنعتی و اخراج چشمگیر کارگران، بیکاری و گرسنگی مفرط گریبان کارگران عرب را گرفته است. جنگی که رهبران پلید جمهوری اسلامی بر تداوم آن اصرار می‌ورزند، همه هستی این قریبائیان ستم دوگانه در خوزستان را به تاراج برده است.

پهپکار خلق عرب خوزستان

خلق عرب در سال‌های حکومت ستشاهی بارها و بارها در برابر ستم ملی و طبقاتی و سرکوبگری‌های رژیم شاه ایستاد. زحمتکشان عرب همواره در کنار سایر زحمتکشان میهن ما برای نیل به رهایی ملی و اجتماعی رزمیده‌اند. در جریان نهضت ملی شدن نفت، کارگران عرب همگام با دیگر کارگران میهن علیه اهداف غارتگران امپریالیست‌ها و رژیم دست نشانده آنان مبارزه کردند.

در سال ۱۳۲۷ گروهی از جوانان عرب با تشکیل یک سازمان سیاسی بنام "کمیته عالی ملی" در راستای خواسته‌های خلق خویش گام‌هایی برداشتند. پس از چندی رهبران این جریان شناسایی و زندانی شدند.

در آذر ۱۳۴۲، بیش از ۱۲۰ نفر از انقلابیون عرب به اعدام و زندانهای درازمدت محکوم شدند. مبارزه پیشاهنگان خلق عرب طی سال‌های متمادی ادامه یافت. این عناصر همواره با یورش‌های تبهکارانه رژیم گذشته مواجه بودند. بطوریکه در نیمه دهه ۵۰ حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد زندانیان سیاسی زندان اهواز را میهن پرستان عرب تشکیل می‌دادند. از جمله نیروهایی که طی این سال‌ها علیه رژیم شاه مبارزه می‌کرد، "جبهه التحریر فی اهواز" بود این جریان حامل گرایشهای تجزیه طلبانه نیز بود. خلق عرب در دوران انقلاب با شرکت در حرکت‌های اعتصابی و تظاهرات همچون دیگر خلقهای میهن ما به نبرد برای سرنگونی رژیم پهلوی بپا خاست. او بپا خاست تا از ستم ملی و طبقاتی رهایی یابد. اما این

آرزوی والا با ادامه روشهای حکومت پیشین توسط رژیم خمینی و افزودن ستم مذهبی و بعدها شروع جنگ خانمانسوز به خون کشیده شد.

رژیم خمینی از همان اولین ماههای کسب قدرت با تکیه بر فئودال‌ها و شیوخ مرتجع عرب به پایمال کردن حقوق این خلق همت گمارد. بعنوان نمونه در اوایل خرداد ۵۸، شیخ نوروز چنانی، فئودال عشیره "چنانه" را - که بین دزفول و دهلران می‌زیند - پس از چند روز بازداشت در کمیته دزفول، با صد فیضه ژ - ۲ آزاد کرد. رژیم این زمیندار بزرگ و مزبور شاه را آزاد کرد تا به بهانه پاسداری از اموال مردم باز هم مردم را بچاپد. جمهوری اسلامی از همان ابتدا به هیچیک از خواسته‌های برحق عربهای ایران پاسخ مثبتی نداد.

روشنگران عرب که پس از سرنگونی رژیم شاه توانستند متشکلتر شده، با ایجاد تشکلهای فرهنگی و سیاسی به مبارزه در راه خواسته‌های ملی منجمله حق خودمختاری برخیزند، بخش‌هایی از خلق عرب را در این مبارزه بسیج کردند.

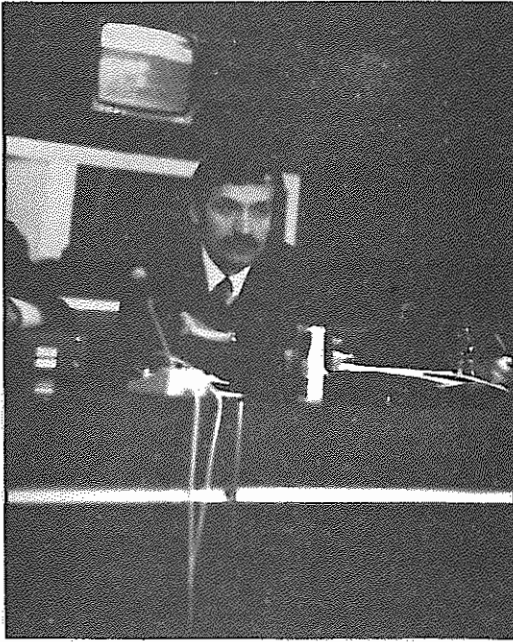
تشکیل "کانون فرهنگی خلق عرب" و انتشار نشریات "النضال" و "الکفاح" که در میان هم میهنان عرب ما بذراگاهی می‌افشاندند، از جمله اینگونه اقدامات بود. در این رزم آگاهی بخش و بسیج گر فداییان خلق نقش اصلی و هدایتگر را برعهده داشتند.

جمهوری اسلامی در تابستان ۵۸ با یورش به انقلابیون عرب و دستگیری وسیع آنان و بستن کانون‌های فرهنگی و سیاسی خلق عرب، جلوه‌ای از کینه بهیمی خود را علیه مبارزین حقوق ملی خلقها به نمایش گذاشت. مزدوران رژیم در تیرماه ۵۸ طی یک محاکمه سری پنج تن از جوانان خرمشهر را به جوخه اعدام سپردند. در راس این اقدامات جنایتکارانه "مدنی" استاندار نظامی خمینی در خوزستان قرار داشت.

در چهار پنج سال اخیر اگر چه رژیم به سرکوب و وحشیانه نیروهای متشکل خلق عرب پرداخت و توانست در این عرصه موفقیت‌هایی کسب کند، اما آنچه زنده ماند، آنچه در زیر تازیانه بیداد رژیم به حیات خویش ادامه داد، همانا مقاومت و پایداری خلق عرب بود که به اشکال گوناگون بسان آتش زیر خاکستر برون آمد و فروزان شد. جنبش خلق ستم دیده عرب شعله‌ای نامیرا است. حرکت اعتراضی اردیبهشت ۶۴ جلوه‌ای از آن بود.

کنفرانس مشترک پیرامون جنگ ایران و عراق در پارلمان اروپا

بقیه از صفحه اول



رفیق مهدی فتاحپورد کنفرانس استراسبورگ

شخصیت های گوناگون قرار گرفته است. از آن جمله اند کمونیستهای فرانسوی و متحدانشان، کمونیستهای ایتالیا، یونان، پرتغال و نیز فراکسیون سیزها، حزب کارگر بریتانیا و "گروه مجتمع دمکراتیک اروپائیان".

همزمان با اجلاس فوق در محل پارلمان اروپا، در برابر ساختمان پارلمان اروپا در استراسبورگ از سوی اتحادیه کارگران ترک و انجمن مهاجران تظاهراتی برای اعتراض به یورش ترکیه به کردستان و برای حمایت از خواست قطع بمباران مناطق کردنشین برپا گردید.

پرداخت و با ذکر دستگیری حدود ۱۰۰۰ تن از اعضا و کادرهای سازمان و شهادت رفقا مسعود ناصر حجتی و شیدا بهزادی تهرانی، از افکار عمومی و نیروهای صلحدوست خواست از زندانیان فدایی دفاع به عمل آورند.

روزنامه اومانیتته ارکان حزب کمونیست فرانسه در شماره ۱۸ مارس خود گزارشی از اجلاس استراسبورگ را درج کرده است. به گزارش اومانیتته، اجلاس مزبور برای حمایت از فراخوان مشترک جمعی از نمایندگان پارلمان اروپا برای قطع فوری جنگ ایران و عراق تشکیل شد. این فراخوان مورد حمایت گروهها و

رژیم خمینی، سال ۶۶ را نیز سال جنگ اعلام کرد

بقیه از صفحه اول

بار دیگر به اجرا درآمد. تشدید عملیات جنگی در خلیج فارس - تبلیغات گسترده غرب درباره "به خطر افتادن امنیت کشتی رانی" - ابراز "نگرانی" دولتهای ارتجاعی عرب - افزایش حضور نظامی آمریکا با این تفاوت که این بار پس از علنی شدن مناسبات گسترده رژیم خمینی و دولت ریگان، بهانه ترافی آمریکا برای افزایش حضور خود در منطقه بسیار مسخره تر و پوچ تر از پیش شده است.

همزمان با این تحولات، تلاشها برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق نیز طی دو هفته گذشته ادامه یافت. خاویز پرز و کویبار دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرد یک کمیته ویژه مرکب از اعضای دائمی شورای امنیت این سازمان برای بررسی پیرامون یافتن راهیای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق یک نشست غیررسمی در پشت درهای بسته تشکیل داده است. وی افزود هر دو کشور ایران و عراق از اهمیت مذاکرات جاری شورای امنیت آگاه هستند و خاطر نشان ساخت که هدف از درخواست مبنی بر تشکیل اجلاسی در سطح وزرای خارجه اعضای دائمی شورای امنیت انجام گفتگوهایی در مورد جنگ و نیز تقویت قطعنامه شورای امنیت در مورد این جنگ است.

آمریکا اعلام کردند یک گروه از ناوهای هواپیمابر آمریکایی در اقیانوس هند به بخش شمالی دریای عرب انتقال یافته است. و این برگر وزیر دفاع دولت ریگان گفت آمریکا از هیچ اقدامی برای بازنگه داشتن تنگه هرمز فروگذار نخواهد کرد و بدین منظور کاملاً آماده است.

و این برگر افزود با احتساب گروه ناوهای که به رهبری ناو هواپیمابر "کیتی هاک" به شمال دریای عرب انتقال یافته اند، در هر سوی تنگه هرمز ۱۰ کشتی جنگی آمریکایی مستقر شده اند. و این برگر تأکید کرد آمریکا برای بازنگه داشتن تنگه هرمز آماده اعمال قهر نظامی است.

سخنگوی وزارت دفاع آمریکا هفته گذشته گفت واشنگتن به کویت پیشنهاد کرده است از این پس کشتیهای جنگی آمریکایی کشتیهای کویتی را در خلیج فارس همراهی کنند.

رفسنجانی رئیس مجلس و نماینده خمینی در شورایی عالی دفاع گزارشهای آمریکایی دایر بر خرید موشکهای ضد کشتی توسط جمهوری اسلامی را تأیید کرد و گفت در صورت تشدید حملات عراق به تأسیسات نفتی ایران، جمهوری اسلامی تنگه هرمز را مسدود خواهد ساخت.

بدین ترتیب سناریویی که از سال ۶۲ تاکنون چند بار تکرار شده،

تحکیم مواضع خود در منطقه و افزایش حضور نیروهای نظامی اش در خلیج فارس آشکار گردید. رسانه های گروهی غرب به نقل از مقامات آمریکایی گزارش دادند جمهوری اسلامی دارای موشکهای ضد کشتی است که احتمالاً در بندرعباس انبار شده اند و در صورت اقدام برای مسدود کردن تنگه هرمز، به کار گرفته خواهند شد.

همزمان با انتشار این گزارشها، نیروی هوایی عراق در نخستین روزهای فروردین ماه چاههای نفتی اردشیر، نوروز و سیروس را در خلیج فارس مورد حمله قرار داد. رژیم صدام اعلام کرد چاه نفت نوروز بر اثر این حملات نابود شده است. رسانه های غربی ضمن گزارش این حملات با اشاره به خبر مربوط به موشکهای ضد کشتی جمهوری اسلامی، یادآور تهدیدهای رژیم خمینی در سالهای پیش مبنی بر مسدود کردن تنگه هرمز شدند.

کویت در روز دوم فروردین ماه اعلام کرد از اقدامات "قدرتهای بزرگ" برای تضمین امنیت کشتی رانی در خلیج فارس استقبال خواهد کرد. رمون وزیر خارجه فرانسه در دیدار از امارات متحده عربی گفت کشورش نظر کشورهای حوزه خلیج دایر بر دخالت و حضور کشتیهای جنگی غربی در خلیج فارس را "محترم می شمارد". در واشنگتن مقامات دولت

خبر از اعزام گروههایی از "سپاه مهدی" به جبهه ها دادند. موسوی نخست وزیر گفت تنها "ملاحظات نظامی" زمان حمله وسیع آینده را تعیین خواهد کرد. روزنامه واشنگتن پست به نقل از منابع سرویسهای اطلاعاتی آمریکا نوشت جمهوری اسلامی در تدارک یک عملیات گسترده دیگر است. همین روزنامه علت غیبت رفسنجانی در چند جلسه مجلس و مراسم نماز جمعه را مشغله زیاد وی در رابطه با تدارک حمله بزرگ آینده به عراق دانسته است. واشنگتن پست می نویسد رفسنجانی برای جبران لطماتی که از بابت افشای نقش او در بندوبست با آمریکا و اسرائیل متحمل شده، همه نیروی خود را بر رهبری تدارکات مربوط به حمله آینده متمرکز کرده تا در صورت موفقیت، با انتکا بر آن موقعیت خود را در درون رژیم مستحکم سازد.

انتکیزه های این یا آن جناح و گروه بندی درون رژیم برای ادامه جنگ و کشتارهای وسیع تر هر چه باشد، مجموعه رژیم سرنوشت خود را با جنگ گره زده و سال ۶۶ را نیز همچون سالهای پیش سال جنگ اعلام کرده است.

در دو هفته گذشته، بار دیگر نقش جنگ ویرانگر ایران و عراق در نقشه های امپریالیسم آمریکا برای

پیامهای شادباش سازمان ها و احزاب به مناسبت ۱۹ بهمن

حزب کمونیست کانادا

به: سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت)

ما بنام حزب کمونیست کانادا، بمناسبت شانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت)، گرمترین پیامهای برادرانه خود را نشرشمامی کنیم.

سازمان شما در ایران، همانند نیروهای مترقی دیگر، تحت شرایط بسیار دشواری کار می کند. شما هر روزه با یورش حکومتی مواجه هستید که بخاطر مواضع ارتجاعی خود در تلاش است تا نیروهای اپوزیسیون را در داخل و خارج کشور از سر راه ببرد.

پس از هفت سال جنگ بی مفهوم بین ایران و عراق، تنها چیزی که شاهد آن هستیم کوهی از اجساد، مرگ و خرابی در دو کشور است. در عین حال ریکان و دارو دسته اش، سیاست به جان هم اندازی یک کشور علیه کشور دیگر و یک حکومت علیه حکومت دیگر را به منظور ناتوان سازی هر دو پیش می برند. آنها استقرار سلطه خویش در ایران و خاورمیانه را در نظر دارند. ماجراهای "ایران گیت" و "کنترا گیت" در ایران و نیکاراگوئه، در انتظار بشریت بعنوان اعمال فریبکارانه و جنایتکارانه امپریالیسم آمریکایکاشناخته شده است.

حزب ما، خواهان اتمام جنگ است. حزب ما برای حل هرگونه اختلافی که ممکن است بین دو کشور وجود داشته باشد خواهان مذاکرات صلح آمیز است.

حزب ما از نیروهای میهن پرست و مترقی در ایران و خارج از ایران دفاع می کند، ما از تمام تلاشی که برای اتحاد نیروهای مترقی ایران بمنظور سرنگونی ارتجاع و پیشرفت دموکراسی و ترقی اجتماعی صورت پذیرد، پشتیبانی می کنیم. ما در کنار حزب توده ایران و در کنار سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت) هستیم و امیدواریم روز وحدت و سقوط ارتجاع در ایران، دور نباشد.

ما همچنین خواهان گشایش درهای زندان های ایران برای آزادی قربانیان سرکوب، رزمندگان دموکراسی و ترقی اجتماعی و تمام مبارزان راه آزادی و استقلال ایران هستیم.

شانزدهمین سالگرد تاسیس سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت) مصادف است با سطح تازه ای از مبارزه برای صلح در تمام جهان. این سطح جدید مبارزه با ارائه مواضع صلح آمیز و ابتکارات قاطع اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی فراهم آمده است و هدف آن ایجاد جهانی عاری از سلاح های هسته ای و رهائی از تهدید جنگ هسته ای است...

یکبار دیگر گرمترین همبستگی برادرانه خود را با مبارزات قهرمانانه و شگرف مردم ایران برای آزادی، عدالت و دموکراسی و برای پایان بخشیدن به حکومت ارتجاع در ایران اعلام می داریم. ما در این مبارزه با شما و تمام نیروهای مترقی هستیم.

۷ فوریه ۱۹۸۷

دبیر اول - ویلیام کاشتان

کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا

جبهه سراسری پیشرو هند

به سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت)

رفقای گرامی!

به نمایندگی از طرف جبهه سراسری پیشرو هند به مناسبت شانزدهمین سالگرد سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت)، پیشانک انقلابی طبقه کارگر، مراتب همبستگی خود را با مردم ایران که علیه خورنیزیبهای بی اساس و اعمال ددمنشانه دولت بنیادگرای خمینی و نیروهای ارتجاعی راست پیکار می کنند، ابراز می داریم.

ما امیدواریم و عمیقاً بر این باوریم که همه نیروها و احزاب سوسیالیست، مترقی و دمکراتیک ایران، متحد، در مقابل تجاوزات خمینی مقاومت می کنند و ماشین سرمایه داری و امپریالیسم و متحدینش را درهم خواهند شکست. مصادفانه پیروزیتان را در مبارزه متحد آرزو می کنیم و معتقدیم که خونهای مردم ایران به هدر نخواهد رفت.

ارادتمندان د.د. شاستری

دبیر کمیته مرکزی جبهه سراسری پیشرو هند

۱۰ فوریه ۱۹۸۷

حزب کمونیست هند

به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت)

رفقای عزیز!

ما خوشحالیم که شاهد شانزدهمین سالگرد تاسیس انقلابی تان در تاریخ ۸ فوریه هستیم. مبارزه تان برای صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم در شانزدهمین سال حیات سازمانتان با وضعیتی مصادف شده است که کشورتان دیگر جنگ بی معنی ایران و عراق، سرکوب و دیکتاتوری قرون وسطایی است.

ما در هند مبارزه سازمان شما را دنبال می کنیم. شما و حزب توده ایران پایگاه عمده مبارزه انقلابی مردم ایران برای به انجام رساندن وظایف ضد آمریکایی، ضد فئودالی، ضد انحصاری و انقلاب مردمی در ایران هستید. تسلط تئوسوکراتیسم در ایران، ترازوی غمناکی است. رژیم سرکوبگر ایران تلاش دارد که مردم شما را از نتایج قهرمانی هایشان در راه سرنگونی رژیم شاه محروم سازد و از پیوستن به نیروهای صلح و ضد امپریالیستی ممانعت کند. حمله به سازمان شما و دیگر سازمانهای میهن پرست بخشی از این توطئه جنایتکارانه است.

ما از این فرصت استفاده می کنیم و به تمام رفقای شما و دیگر میهن پرستان که با قربانی کردن خود پرچم مبارزه در راه صلح، علیه امپریالیسم، پیکار در راه دموکراسی و ترقی را برافراشته نگهداشته اند، درودهای محترمانه می فرستیم. ما همبستگی کامل خود را با مبارزه قهرمانانه شما برای سرنگونی رژیم تئوکراتیک و ساختن اساس دمکراتیک مترقی در کشور باستانی و پیشکوه تان اعلام می کنیم.

بهترین آرزوها را نثار تان می کنیم.

فرخنده باد سالگرد سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت)!

زنده باد سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت)!

پیروزی باد مردم ایران!

م. فاروقی دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند

دهلی - نو ۲۷ فوریه ۱۹۸۷

حزب کمونیست آلمان

بخشی از پیام حزب کمونیست آلمان که توسط رفیق کارل سامس شرودر عضو

هیات سیاسی کمیته مرکزی این حزب، در جشن سالگرد سازمان خوانده شد:

رفقای عزیز!

شما امروز شانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق (اكثریت) را بر گزار می کنید. ۱۶ سال در تاریخ دوره کوتاهی است. اما ۱۶ سال مبارزه شما برای زندگی مردم ایران و از آن فراتر برای مبارزه همه نیروهای ترقیخواه جهان دارای اهمیت سرشاری است. سازمان شما شجاعانه در راه ترقی اجتماعی و تحقق آرمان های مارکس، انگلس و لنین رزمیده است.

... شانزدهمین سالگرد تاسیس سازمان شما مناسبتی دیگر برای تاکید بر

همبستگی برادرانه ما با سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت) است.

... انقلاب بهمین به حیات رژیم شاه پایان داد. اما بازگشت ارتجاع،

استبداد و سرکوب ما را سرشار از خشم و نفرت می سازد.

خشم و نفرت تنها کافی نیست. اطمینان داشته باشید ما همبستگی خود را با

شما همچنان تقویت خواهیم کرد.

تولنه مشترک دولت آمریکا و رژیم خمینی برای ادامه جنگ ایران و عراق

و تشدید جنگ علیه دولت انقلابی نیکاراکوئه حکومت است. ما خواهان پایان

بخشیدن به پشتیبانی دولت های غربی از رژیم خمینی، پایان بخشیدن به جنگ

ایران و عراق و قطع جنگ ضد انقلابی علیه نیکاراکوئه هستیم.

...

رفقای عزیز!

ما در وجود شما با میهن پرستان و انترناسیونالیستهای پر شور ایرانی آشنا

شده ایم. شما با شور و شوق در مبارزه نیروهای صلح دوست کشور ما شرکت می کنید.

ما در برابر شهدای راه استقلال و آزادی در ایران، در برابر زندانیان سیاسی

ایران به نشانه احترام سر فرود می آوریم.

زنده باد دوستی حزب کمونیست آلمان و سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت)

زنده باد همبستگی بین المللی.

حزب کمونیست هلند

بخشی از سخنرانی رفیق ماریوس ارنستینگ، معاون دبیرکل حزب کمونیست هلند، بمناسبت شانزدهمین سالگرد زادروز سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت).

دوستان و رفقای عزیز!

به نام حزب کمونیست هلند مایلیم تبریکات قلبی ام را به مناسبت شانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بحضورتان تقدیم دارم.

ما از نقش مهمی که فداییان خلق در مبارزه علیه سرکوب و برای دموکراسی و عدالت در دوره حاکمیت شاه به عهده داشته اند اطلاع داریم. اراده قاطع شما در مبارزه ای تجلی یافت که جهت مبارزه با رژیم می که به آمریکا وابسته بود و ثبات درونی خود را تنها در تشدید گسترش سرکوب نیروهای مترقی و دموکراتیک می دید، سازمان یافته بود. در سرنگونی شاه، فداییان خلق نقشی کوبنده ایفا کردند...

رفقا!

جشن شانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان شما، باز هم در شرایط فوق العاده دشواری برپا می شود... ما کمونیستهای هلندی، مایلیم عمیق ترین احترامات را نسبت به سازمان شما و به تمامی آنها که در این شرایط دشوار مبارزه ای هر روزه را برای صلح دموکراسی و آزادی، برای آزادیهای سیاسی و مبارزات اتحادیه ای به پیش می برند ابراز داریم.

رفقا!

جنگ ایران و عراق که اکنون بیش از شش سال از آن می گذرد، به نظر ما ستیزه ایست که قویا با منافع هر دو کشور منافات دارد. ستیزه بیپرده ای که در آن صدها هزار نفر کشته و باز جوانان کم سن و سال به جیبهای مرگ آن فرستاده می شوند. جنگی که اثرات مخربی بر جهات مختلف زندگی کارگران و دهقانان باقی گذاشته است.

اقدام آمریکا به تحویل اسلحه به خمینی چه در اثر اعمال روشهای تروریستی و چه بلحاظ تعقیب کور منافع، در واقع به معنای کمک امپریالیسم به ادامه این کشتار بیپرده است.

تقویت همبستگی بین المللی می تواند نقش مهمی در خاتمه جنگ ایفا کند. به عنوان کمونیستهای هلندی، آنچه را که در توان داریم در این مسیر بکار خواهیم گرفت.

جنگ را متوقف کنید!

مرگ بر حکومت خمینی!

زنده باد سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

سازمان جوانان کمونیست دانمارک

رفقای عزیز!

به مناسبت شانزدهمین سالروز بنیانگذاری جنبش فداییان، رهبری سازمان جوانان کمونیست دانمارک دروهای رفیقانه خود را به سازمان شما، به همه اعضا آن و به تمامی نیروهای مترقی و دموکراتیک ایران ابراز می دارد. ما آرزوی موفقیت های روز افزون شما در مبارزه تان برای صلح و آزادی داریم.

مبارزه فعال شما، ابتدا بر علیه رژیم ارتجاعی شاه و تاکنون بر علیه رژیم مذهبی حاکم، به ما این باور را بخشیده است که جنبش مترقی و دموکراتیک ایران به پیروزی دست خواهد دیافت.

امروز تمامی نیروهای مترقی - نه تنها در ایران و عراق - وظیفه دارند برای پایان دادن جنگ شوم میان دو رژیم تلاش نمایند. جنگی که صدها هزار قربانی بیار می آورد. ما در این مبارزه نیز برای شما آرزوی موفقیت نموده و حمایت فعال خود را از شما اعلام می کنیم.

رفقا!

سرنگونی رژیم مذهبی در ایران وظیفه اصلی و بسیار مهم جنبش مترقی و دموکراتیک است. این راه می باید به پیروزی نیروهای مترقی، طبقه کارگر، دهقانان و جوانان در کشور شما بیانجامد. ما در این مبارزه نیز آرزوی موفقیت هر چه بیشتر داریم. رژیم تان باید ارباب!

با دروهای رفیقانه

جوانان کمونیست دانمارک

دبیر کل - اوله یسن

آخوندها و نوروز

خوشحال خواهیم شد.

حجت الاسلام والمسلمین عبید زنجانی نیز ضمن بی محتوا (!) خواندن نوروز می گوید: "به مناسبت آغاز سال نو امت شهیدپرور می تواند بسیاری از وظایف اسلامی خود را در شرایط حاصل از این مناسبت انجام دهند." از نظر این آخوند، این وظایف عبارتند از: رفتن به قبرستانها، شرکت در مراسم عزاداری و رفتن به جبهه.

حجت الاسلام والمسلمین حاج

آقا مجتهدی تهرانی سرپرست حوزه علمیه حاج ملا محمد جعفر معتقد است که نوروز را باید اسلامی کرد و از همینرو فتوا می دهد نقل شده است که مردم در هنگام تحویل سال ۳۶۵ مرتبه دعای یا مقلب القلوب را بخوانند و یا مثل گذشته عمل کنند که در هنگام تحویل سال، مردم حدیث کسا" یا زیارت جامعه می خوانند و حالی داشتند. " این آخوند برای حل مساله نوروز چنین فکری به سرش زده، اما با سیزده بدر نتوانسته است کاری بکند و از همینرو فتواداده است "سیزده بدر از تعطیلات اسلامی نیست و لذا انشاء الله به تدریج از تعطیلات رسمی حذف شود. مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی عملا با سیزده فروردین مخالفت نموده و درس را تعطیل نمی کردند. تقاضای حقیر از دولت جمهوری اسلامی این است که در اسامی روز سیزده فروردین که مصادف با سوم شعبان است را به عنوان میلاد حضرت سیدالشهدا تعطیل اعلام کنند" (نه به عنوان سیزده فروردین).

همچنان که دیدیم آخوند

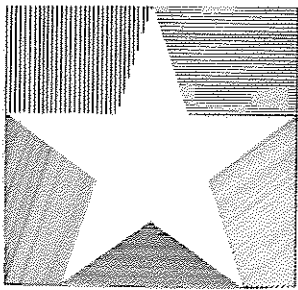
حاج آقا مجتهدی تهرانی با نوروز منهای سیزده بدر آن آنقدرها مخالف نیست و معتقد است با ادعیه و اوراد می توان این عید را اسلامی کرد. او خود می گوید "بر خورد اسلام با عید نوروز بسیار معتدل بوده است، یعنی نه او را تاکید کرده و نه رد نموده است." علت این "موضع اعتدالی" حاج آقا چیست؟ خود او مهمترین فایده نوروز را این می داند که به مناسبت آغاز سال نو ما می توانیم به سرمایه خود رسیدگی کنیم، که اگر زیاد داریم یک پنجم (یعنی خمس) آنرا بدهیم. موضوع روشن شد: آغاز سال نو خوب است به شرطی که چیزی هم از این طریق به آخوندها بهمانده

نوروز، نبودن، شاد بودن و سرزنده بودن است و در کانون آداب و رسوم ملی ما قرار دارد و از همین رو تصحیحی ندارد که کهنه پرستها، آخوندهایی که مبلغ مرگ و تعزیت و تاریک اندیشی اند، بدان کینه ورزند و در تخطئه و تحریم و ممنوعیت آن بکوشند. خمینی در پیام نوروزی امسال خود روز آغاز سال نو را از آن روزه امت شهیدپرور تبریک گفت که این روز بین دوروز تولد امام اول و روز مبعث قرار دارد. نوروز این وسط هیچ کاره بود.

در آستانه نوروز حوزه علمیه قم فتوا صادر کرد که بزرگداشت مراسم چهارشنبه سوری و نوروز و سیزده بدر حرام شرعی است. روزنامه ها و رادیو تلویزیون رژیم در این زمینه مطابق هر ساله زنجوره سردادند. روزنامه رسالت در شماره های ۲۷ و ۲۸ اسفند با تعدادی طلبه و آخوند در زمینه نوروز مصاحبه هایی ترتیب داده است که به طور کامل دید و ببینش منجز کننده فقها در زمینه این عید باستانی ما را بازتاب می دهند.

نظر خواهر کبری قلیانچی (محصل حوزه علمیه) در مورد نوروز چنین است: عید سال ۶۶ را زمانی می گذرانیم که رژیمتکان توجید نقسهای آخر صدامیان را می گیرند و مصمم هستند که ماشین جنگی صدام را نابود کنند. پس ما باید با تمام نیرو و امکانات در خدمت جنگ باشیم، یعنی همه باید عید را یا در جبهه باشند و یا در پشت جبهه به دلوران کمک کنند... نباید فراموش کنیم که در عید خوشحالی و شادی معنی ندارد، چون این عید جزو اعیاد اسلامی مسلمانان نیست.

یک برادر طلبه دیگر به نام مرتضی بلوچیان در مصاحبه با روزنامه رسالت می گوید: "باید عید امسال را در جبهه ها برسد، چون عید در آنجا لذت خواهد داشت." وی سیزده بدر را نیز از یاد نمی برد و در این زمینه چنین فتوا می دهد: "سیزده بدر بر منبای صحیحی استوار نشده است. بر پایه اطلاعی که داریم سیزده بدر از زمان زرتشتی ها و زمانی که ایرانیها آتش را می پرستیدند، پایه گذاری شده و منبای اسلامی ندارد. حال سیزده نوروز سال ۶۶ با میلاد حضرت اباعبدالله الحسین همزمان شده و انشاء الله ما تعطیلی این روز را به حساب امام حسین گذاشته و



وحدت و تنوع جنبش کمونیستی:

امکانات نوین در جهان تغییر یابنده

از آن تا موقعیت مشابه دیگری انتظار کشید و به حکومت اجازه اعمال یک سیاست ضد مردمی داد. حزب در نظر دارد به مبارزه توده‌ای خارج از پارلمان، بالاتر از هر چیز تحت شعارهای بر طرف ساختن خطر جنگ و کنار گذاشتن خط مشی تابع کردن کشور به منافع ایالات متحده، میدان بیشتری بدهد. علی ایلی خاطر نشان ساخت که هدف بنفرض نخستین کمونیستهای ترکیه که ناچارند در کشوری با رژیم سرکوبگر فعالیت کنند، امروز، تحقق کامل دموکراسی بورژوازی در چارچوب روابط اجتماعی سرمایه داری است.

دومینتوس لویز از وظایف کمونیستهای پرتغال در مرحله کلونی صحبت کرد و دفاع از دستاوردهای انقلاب آوریل ۱۹۷۴ و دفاع از منافع طبقه کارگر را که مورد استثمار بازم بی رحمانه تری قرار دارد از میان آنها مشخص کرد. زحمتکش پرتغال، مانند زحمتکش دیگر کشورهای اروپای غربی، در برابر مسئله حیاتی حفظ و تحکیم دموکراسی قرار دارند. او تاکید کرد که بخاطر همه اینهاست که نباید یک لحظه به کار اصلی که دورنمای سوسیالیستی است کم توجهی کرد و یا آنرا از نظر دور داشت.

نمایندگان چندین حزب آمریکای لاتین و دریای کارائیب اظهار داشتند که مبارزه برای برخی تحولات دموکراتیک محدود در شرایط سرمایه داری بزرگت می‌تواند در آنجا به مثابه هدفی استراتژیک مطرح شود. تشدید تضادها، پیوند متقابل و نزدیک میان الیتراری حلی و امپریالیسم، ضعف و حالت تابع داشتن بورژوازی آمریکای لاتین، و سطح آگاهی انقلابی توده‌های مردم موجب شده است که به حکم زمان، پیشرفت بسوی سوسیالیسم در مکان هدف اصلی قرار گیرد. این مطلب را آنتونیو دیاز وریس بیان کرد.

الثان توماس مدافع این حکم بود که مسائل اقتصادی و اجتماعی جامائیکا را نمی‌توان بدون سوسیالیستی کردن وسایل تولید و تغییرات عمیق در روابط تولیدی حل کرد، و اینکه راه فرم‌های محدود به چارچوب نواستعماری در چه تنگتر می‌شود. جیم باریوس گفت انتظار پیشرفت اجتماعی داشتن در شرایط سرمایه داری یک دیدگاه ناپیچک اروپای غربی است. در السالوادور آن قشری که معمولاً بورژوازی ملی خوانده می‌شود، امروزه دیگر هیچ چیز حقیقتاً ملی در آن وجود ندارد و تأمین کننده منافع امپریالیسم است. به این دلیل است که نیاز به انقلابی دموکراتیک، بمشابه خیز اول در راه رسیدن به سوسیالیسم وجود دارد.

نمایندگان احزاب ضرورت متحد شدن صفوف طبقه کارگر و تلاش برای شکل دادن وسیع‌ترین جبهه زحمتکش بگرد آن برای تغییر دادن اوضاع را خاطر نشان کردند. فرانسیسکو گامبوا گفت پرستیژ کمونیستها در میان مردم بر پایه صداقت، استواری و صراحت خط مشی و توانایی برای عمل مشترک با کسانیت که نظراتشان کاملاً با ما مطابقت ندارد. او تاکید داشت که خوبست خود حزب و کار آنرا نوسازی کرد، به نحوی که بتواند اقتدار جدیدی از طبقه کارگر را بصرف خود بکشد. کمونیستهای کوستاریکا معتقدند که ضرورت استکال منسوخ و دلخواهی فعالیت را بنفع اشکال اساسی که نیاز زمانه را برآورده سازد، کنار گذاشت. اینکار به کمونیستها امکان می‌دهد که سیاست منطقی تری اعمال

بیکاران، شاعلین کارهای طاقت فرسا، دارندگان دستمزدهای پائین و باز نشتگان سنی که خرجشان به زحمت به دخلشان می‌رسد احساس می‌کنند. گسترش وسعت دادن نارضائی اجتماعی آنها در جهتی درست و طبقه ایست که در مقابل کمونیستها قرار دارد. احزاب کمونیست ضمن اینکه از محرومین حمایت میکنند و آنها را به مبارزه سیاسی میکشاند، به آن نیروهایی نظر دارند که محل پیشرفت هستند و آنها تکیه آینده پیش رویشان حمایت دراز مدت از کمونیست هاست.

الکساندر ولف گفت این نیروها و قبل از همه آن گروه‌های طبقه کارگر که به وسیله نظام فنی عالی به منسجم ترین نحوی متمرکز می‌شوند، عصب مرکزی سرمایه داری معاصر هستند. مطالبات برنامه‌ای کمونیستها در رابطه با این کارگران "جدید" حاکی از توجه هر چه بیشتری است که به تأمین شرایط برای کار خلاق، حق مطلع بودن از فعالیت موسسه، مشارکت در تصمیم گیری و کنترل دموکراتیک، و حفاظت محیط معطوف می‌شود. تمامی اینها به بردن آگاهی سوسیالیستی به میان اقشار جدید کارگران کمک کرده و امر یکپارچه شدن آنها را در صفوف رومنده طبقه کارگر از نظر ایدئولوژیکی و تشکیلاتی تقویت خواهد کرد.

بعضی از شرکت کنندگان در مباحثه در این زمینه اظهار داشتند که باید پیش ضرورت عینی و واقعیت پیشرفت فنی، اهمیت دارد که بتوانیم از هر موقعیتی برای ای سو دادن رویدادها در جهتی که برای زحمتکشان حتی در نظام موجود مفید تر باشد، استفاده کنیم. این سوال مطرح می‌شود: آیا در حال حاضر می‌شود گفت اولویتی برای وظایف معتدل اما مبرم وجود دارد که نه تنها مربوط به کمونیستها، بلکه به دیگر نیروهای چپ نیز هستند، یعنی پشتیبانی از آلترناتیو دیگری از رشد سرمایه داری بمنظور خنثی کردن "ضد انقلاب ارتجاعی" و کمک به افزایش نفوذ طبقه کارگر و اقتدار دموکراتیک مردم بر هر جنبه زندگی اجتماعی؟ آیا این مسئله بر فرمول بندی شعارهایی برای تحولات دموکراتیک عمیق تر تقدم ندارد که اسناد بعضی از احزاب یک دموکراسی ضد انحصاری را مطرح می‌سازند؟ سوال دیگری هم مطرح است: چگونه باید عمل کرد؟ آیا کار درست باز هم متنوع تر کردن مطالبات و بیژ و باز هم اختصاصی تر کردن برخورد با هر لایه از کارگران مزدبگیر است، یا تاکید کردن بر ماهیت بنیادی شان، که ناشی از تضاد ریشه‌ای بین کار و سرمایه است؟

برت راملسون گفت این اشتباه است که روی طبقه بندی طبقه کارگر تاکید کنیم، آنچه اهمیت دارد تاکید بر وحدت و اثبات این امر به هر زحمتکشی در جامعه سرمایه داری است که مستقل از معیارهای مربوط به مهارت و یا رشته‌ای که در آن اشتغال دارد، این احتمال وجود دارد که فردا به آسانی کارش را از دست بدهد. آن چه اهمیت دارد تاکید بر توافقهای جمعی است که منافع کارگران "جدید" و سنی، هر دو را در نظر داشته باشد و غیره. او در عین حال تاکید داشت که حل پایدار مسائل اقتصادی و اجتماعی تنها در سوسیالیسم قابل حصول خواهد بود.

ویلیام استوارت گفت که ایده کام‌های بینابینی در جهت یک اتحاد ضد انحصاری توسط حزب کمونیست کانادا در پلنوم ماه مه کمیته مرکزی آن فرمول بندی شد. حزب معتقد است که نمی‌توان به کار شدید تنها در مدت مبارزه انتخاباتی اکتفا کرد و بعد

کمیسیون مبادله تجربه مجله صلح و سوسیالیسم نشستی، بمنظور بحث پیرامون برخی مسایل حاضر اهمیت در جنبش کمونیستی امروز برقرار کرد. شرکت کنندگان در این ملاقات عبارت بودند از نمایندگان احزاب برادر در مجله و یک گروه از محققین از آکادمی علوم اجتماعی جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، یوری کراسین نایب رئیس، کریگوری وادالوف رئیس دیپارتمان، دکترای علوم (تاریخ) میخائیل باسانف دکترای علوم (تاریخ)، و الکساندر ولف دکترای علوم (تاریخ).

مدیر گرداننده مجله صلح و سوسیالیسم سرکی تسوکاسف (از اتحاد شوروی) شروع کننده بحث بود. افراد زیر از جمله شرکت کنندگان در بحث بودند: خوزه ماریالائو (از حزب کمونیست آرژانتین)، برت راملسون (از حزب کمونیست پرتغالی)، دوتگ شکوکچی (از حزب کمونیست ویتنام)، دونالد راموتار (از حزب مترقی مردم گایانا)، رونالد باثور (از حزب سوسیالیست متحده آلمان)، زنون زورزوویلیس (از حزب کمونیست یونان)، کامل مجدی (از حزب کمونیست مصر)، قدیم حبیب (از حزب کمونیست عراق)، ویلیام استوارت (از حزب کمونیست کانادا)، آلوارو ثورویه دو (از حزب کمونیست کلمبیا)، فرانسیسکو گامبوا (از حزب پیشاهنگ مردم کاستاریکا)، آنتونیو دیاز وریس (از حزب کمونیست کوبا)، کونار وال (از حزب کمونیست نروژ)، فلیکس دیکسون (از حزب مردم پاناما)، سراجی منس (از حزب کمونیست پرو)، دومینتوس لویز (از حزب کمونیست پرتغال)، جیم باریوس (از حزب کمونیست السالوادور)، علی احمد التایب (از حزب کمونیست سودان)، علی ایلی (از حزب کمونیست ترکیه)، گئورگ کواتسکی (از حزب کمونیست آلمان)، اوریل ویسیانی (از حزب کمونیست شیلی)، رادنی اوهمان (از حزب چپ - کمونیست های سوئد)، راجاکولیر (از حزب کمونیست سری لانکا)، و الثان توماس (از حزب کارگران جامائیکا).

در زیر بخشی از گزارش این نشست را می‌خوانید.

پیشاهنگ چگونه باید عمل کند

تغییرات ایجاد شده در ساختار اجتماعی، که قبل از هر چیز در اثر انقلاب فنی پدید آمده، مسایل دشوار چندی را در مقابل کمونیستها قرار داده است: در کار روز مره و دراز مدت خویش باید به چه کسانی چشم داشت؟ چگونه باید خود را در تمامی وجوه فعالیت و زندگی درونی احزاب کمونیست، با تغییرات جدید تطبیق داد؟ چگونه میتوان در عین حالیکه حزب "اساسی" انقلابی طبقه کارگر باقی ماند، سیاست خود را مطابق روز، و چهره خود را نو ساخت؟

تجزیه و تحلیل شرکت کنندگان در مباحثه نشان میدهد که امروز نیز، مثل گذشته، همان اقتدار کارگران صنعتی - معدنیان، فلز گدازان، سازندگان و غیره - بویژه در کشورهای سرمایه داری صنعتی، همچنان پایگاه جنبش کمونیستی هستند. آنها در موسسات بزرگ متمرکز هستند، دارای درجه بالایی از شکل اتحادیه‌ای، تجربه زیادی در مبارزه طبقاتی و رزمندگی زیاد هستند. انتظار می‌رود این اقتدار علیرغم کاهش تعداد و موقعیت روبرو تضعیفشان در چانه زدن با کارفرما بخاطر بحران‌ها و خطر زائد شدنشان، نامدتها بخش مهمی از طبقه کارگر باقی بمانند.

نمایندگان احزاب کاملاً اذعان داشتند که احزاب کمونیست "طرد شدگان"، یعنی کسانی را که نوسازی سرمایه داری از عرصه تولید بیز وین ریخته است را بمشابه جز ضروری پایه اجتماعی خود در نظر میگیرند. درد آورترین تأثیرات بحران را

کنند و در اتحادهای وسیع بر مبنای احترام به عقاید گوناگون شرکت کنند، در عین حال که خلوص ایدئولوژیکی و تمامیت حزب و وحدت درونی آنها طبق موازین لنینی تشکیلات حفظ نمایند.

سزاجی منس گفت مشکلی که در مقابل حزب کمونیست پرو و اتحاد نیروهای چپ قرار دارد کاهش پایه اجتماعی آن نیست بلکه نیاز به روش های جدید کار برای جذب کردن کسانی است که در جستجوی رهبری حقیقی در مبارزه بخاطر منافع خلق و توده های زحمتکش هستند. بورژوا فرمیست ها (مانند کسانیکه در حزب حاکم شورمان () هستند) که ضدیت با امپریالیسم را با برخورد های ارتجاعی معینی تلفیق می کنند، تلاش کرده اند تا ذهن مردم را با عوام فریبی های خود مشوب سازند. طرف دیگر افرایلی های با خنماشی های گوناگون قرار دارند که منادی و مجری اعمال تروریستی هستند که زیان بخش است. حزب کمونیست پرو می گوید تا نشان دهد نه تنها در حرف، بلکه در واقع نیز، پیشاهنگ است. این امر گسترش انتقاد و انتقاد از خود، دموکراسی درون حزبی، و مبارزه بی امان با دست بندی، امتیاز طلبی و سکتاریسم را از اهمیت بسزایی برخوردار می سازد. عمل صادقانه و ورواست کمونیست ها را با زهم بیشتر به کسانی که به اندیشه های آنان سپاتی دارند، به کسانیکه بدلائیل گوناگون، خارج از حزب هستند اما آماده اند به امر مردم خدمت کنند، نزدیک می کنند.

الخان توماس گفت حزب کارگران جامائیکا وظیفه خود می داند با هر گونه مظاهر سکتاریسم، دکماتیسم و اپورتونیسم راست و آنچه که "مارکسیسم محض" نامیده می شود مقابله کند. حزب می گوید تا منافع نیروهای جدید اجتماعی را به حساب آورده و نه تنها کسانی را که همیشه با کمونیست ها هم نظر بوده و نظر آنها پشتیبانی می کنند، بلکه همچنین با ترتیب دادن گفتگوهای سازنده بدون تعصب و خالی از فرمول های از پیش آماده، توده وسیعتری را مخاطب قرار دهد. حزب کارگران جامائیکا در جستجوی راه های انبوه تر کردن صفوف خویش است و اینکار را عمدتاً از طریق ترتیب دادن گروه های پشتیبان حزب از میان هواداران بمنظور پذیرش مداوم اعضای جدید انجام می دهد.

اجتناب از طرح های

بیش از حد ساده شده

نمایندگان احزاب در این امر توافق داشتند که جهان معاصر بدون در نظر گرفتن کمونیست ها غیر قابل درک است و کمونیست ها بدون تردید در صفوف مقدم مبارزه بخاطر اهدافی که تامین کننده نیازهای حیاتی توده های زحمتکش است باقی خواهند ماند و آتش خود را روی دشمن عمده یعنی نیروهای ارتجاعی امپریالیستی. آنها نیکه آماده اند جنگی هسته ای را آغاز کنند، متمرکز می کنند. دوتنگ نکوک کی گفت تقریباً تمامی اعضای جنبش کمونیستی قوی تر شده اند و در حال توسعه و تکامل هستند. جنبش کمونیستی به سطحی از یختگی رسیده است که به آن امکان می دهد موقعیت خود را قاطعانه تحکیم بخشد و با استواری به اصول مارکسیسم لنینیسم وفادار ماند، نیروهای ضد امپریالیست و مترقی را گرد آورد و حامی صلح و سوسیالیسم باشد.

در عین حال این نکته نیز گوشزد شد که جنبش در حال عبور از یک دوره دشوار گذار به مرحله ای کیفیتی جدید از گسترش و تکامل خویش است. طی چند سال اخیر پیچیدگی های غیرعادی و ناموزونی هایی در پیرویه گذار به فراماسیون جدید اجتماعی وجود داشته است. تا گذشته ای نه چندان دور کمونیست ها معتقد بودند که قرن بیستم قرن پیروزی سوسیالیسم در همه جهان خواهد بود. اما امروزه روشن است که هر چند

هم که اشتیاق طبیعی انقلابیون برای جلو انداختن ساعت پیروزی زیاد باشد، این هدف به آینده ای دورتر از این پس رفته است. برت راملسون گفت حقیقت اینست که ما گرایش باین داشتیم که به توانایی سرمایه داری در انطباق با بحران مژمن و به نیروی حیات آن کم بهاد هم، در حالی که انتقارات ما از سرعت اشاعه نفوذ سوسیالیسم، بیش از میزان واقعی آن بود.

در همین زمینه یوری کراسین این نظر لنین را یادآوری کرد که جنبش طبقه کارگر نه به شیوه تکامل تدریجی، بلکه با جهش و پرش گسترش و تکامل می یابد. این امر گاهی، در زمانیکه پروولتاریا بطور نامحسوسی در حال جمع آوری نیروهای خویش در چیزی شبیه پشت صحنه است، قابل درک نیست، بروسه ای که بعضی روشنگران را نسبت به سرشت استوار و زنده ماندنی جنبش توده ای نا امید می کند. سپس نقطه چرخش فرا می رسد و نیروهای جدید انقلابی که هیچکس حتی انتقاد وجودشان را قبل از آن نداشت، گویی از زمین بیرون می چوشت تا پیش روند و مسایل جدید را حل کنند. اینطور بنظر می رسد که جنبش کارگری و کمونیستی در حال حاضر درست در حال عبور از یک چنان مرحله جمع آوری نیرو است. رولاند باوئر با ملاحظه واقعیات جنبش

کمونیستی، اطلاعاتی ارائه داد که بموجب آن با وجود آنکه تعداد کمونیست ها در تمام کره زمین بالغ بر ۸۰ میلیون نفر است، تنها بخش ناچیزی از این تعداد متعلق به احزابی است که در کشورهای سرمایه داری صنعتی و کمتر رشد یافته فعالیت می کنند. در وری مرزهای جهان سوسیالیستی، بزحمت می توان گفت وزن و تاثیر احزاب کمونیست (به جز چند تایی از توده ای ترین آنها) بر زندگی کشورهایشان در همه موارد رشد داشته است. او گفت مسئله دیگر ناکافی بودن و اغلب فقدان وحدت بین المللی کمونیست ها است.

شرکت کنندگان در مباحثه گفتند که وجود دو حزب کمونیست و با بیشتر در بعضی کشورها یک واقعیت دردناک است. مطرح شد که شاید یکی از دلایل این امر تفکیک در طبقه کارگر باشد که موجب تغییرات مهمی در پایه اجتماعی احزاب، بویژه در محدوده سرمایه داری صنعتی، شده است. بسیاری از شرکت کنندگان در مباحثه تاکید کردند که این فرضیه به زحمت میتواند انشعابات هراز چند گاهی جنبش کمونیستی در سطح ملی را توضیح دهد. زندگی نشان میدهد که بسیاری از احزابی که در شرایط انقلاب علمی و فنی و روندهای اجتماعی ناشی از آن فعالیت میکنند وحدت مستحکم صفوف خود را حفظ کردند.

دومینگوس لوبز گفت وجود دو حزب کمونیست یا بیشتر اخیراً در بعضی کشورهای اروپای غربی و جاهای دیگر مشاهده میشود. اوضاع و احوال عینی اجتماعی میتواند موجب این پدیده شود اما نه بر پایه تفکیک در داخل طبقه کارگر. شرایط در هر کشور جداگانه نیازمند بررسی دقیق است، و شرایط حتی در چارچوب یک قاره نیز متفاوت است: کمونیست ها در اسپانیا، سوئد و فنلاند با مسایل خاص خودشان روبرو هستند. به عقیده حزب کمونیست پرتغال برای دست یابی به حداکثر وحدت ممکن کمونیست ها، باید هر چه لازم است انجام داد.

او افزود ایجاد یک فضای واقعا دموکراتیک در درون حزب در این رابطه از اهمیت بسزایی برخوردار است، اما این به معنی یک تبعیت صرف اقلیت از اکثریت نیست، این امر در برگیرنده بحث رفیقانه و صریح از بالاترین و در نظر گرفتن تمام عقاید و استدلالات است. طبقه نپازی به صرف وقت بیش از اندازه برای بحث نیست، اما ضروریست عقاید بیان شده توسط کمونیست ها را بحساب آورد. اینست نظر حزب کمونیست پرتغال در مورد سانترالیسم دموکراتیک.

سزاجی منس با شرح تجربه حزب کمونیست پرو، حزبی که چند بحران خطیر و کشمکش های ناشی از دسته بندی را که منجر به انشعاب شده است از سر

گذرانده است، به تاثیر عامل ذهنی تاکید کرد. این امر وقتی افرادی بدون زمینه استوار مارکسیستی لنینیستی، یا مردمان به مقامات بالا راه می یابند کاملاً آشکار می شود، امری که منجر به برخوردهای داخلی می شود و حتی ممکنست تمامی حزب را به بیراهه و به جایی بکشاند که به نفعی ماهیت اساسی خود برسد. این بعلت نقض معیارهای لنینی زندگی حزبی و تحریفات گوناگون است. مامعتقدیم برای حزب نهایت اهمیت را دارد که برخوردی کاملاً جدی و مسؤلانه به تامين كادراهی متعهد و از نظر ایدئولوژیکی پرورش یافته داشته باشد.

در السالوادور وضعیت طوری بود که پنج سازمان سیاسی انقلابی و از جمله حزب کمونیست همزمان وجود داشتند. کار پرتلاش کمونیست ها که درک متقابل با رفقای مسلح را بوجود آورد، به تشکیل جبهه فابابوندومارتنی در سال ۱۹۸۰ کمک کرد، جبهه ای که تمامی اعضای آن بخاطر هدف مشترکی کار و تحت شعارهای مشترکی عمل می کنند. جیمس باریوس گفت پیشاهنگ آنها نبی نیستند که مدعی داشتن چنان نقشی هستند، بلکه آنها نبی هستند که عملاً جنبش توده ها را رهبری می کنند.

حزب کمونیست سوران در سال ۱۹۷۰، بعد از آنکه در اثر بدست گرفتن قدرت توسط گروهی از "افران آزاد" وضعیت جدیدی در کشور بوجود آمد دچار یک انشعاب شد، در آن هنگام گرایشات انحلال طلبانه در رهبری ظاهر شد که برخورد طبقاتی را کنار گذاشته و به منحل کردن حزب در یک سازمان سیاسی مشترک با خرده بورژوازی اصرار می ورزید. انحلال طلبان در گذرگه فوق العاده حزب شکست خوردند و صفوف آن را ترک کردند و چیزی را که عملاً یک حزب موازی بود، اگر چه هرگز رسماً این را اعلام نکردند، تشکیل دادند. علی احمد التایب گفت حزب مامارکسیسم لنینیسم را خلاقانه در شرایط مشخص یکار بست، مصرا نه فداکارانه از اید آلهای جنبش کمونیستی دفاع کرد، موفق شد بر بحران غلبه کند و تبدیل به عامل مهمی در گسترش و تکامل مبارزه مردم که منجر به سرنگونی دیکتاتوری خوئین شیری شد، گردید.

قدیم حبیب اعلام کرد کمونیست های عراقی هر استدلالی را که بتوان برای توجیه وجود و یا پدید آیش دو حزب در یک کشور یافت رد میکنند. طبقه کارگر، دهقانان و متحدین آنها پایگاه اجتماعی حزب کمونیست بوده اند و خواهند بود. تغییرات ساختار جمعیت زحمتکش تحت تاثیر انقلاب علمی و فنی، مبارزه ایدئولوژیکی فشرده تر علیه نظرات خرده بورژوازی، تلاش برای ارتقا آگاهی سیاسی طبقه کارگر و پایه محکمی برای انترناسیونالیسم پروولتری طلب می کند. وجود دو حزب کمونیست در یک کشور نشان میدهد که یکی از آنها در راه راستی پیش می رود. این پدیده را نمی توان بعنوان چیزی که توجیه عینی دارد در نظر گرفت و نمی توان آنها پذیرفت؛ این منجر به تضعیف جنبش کمونیستی و کل جنبش طبقه کارگر هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی میشود.

برت راملسون گفت بنظر می رسد دلایل فقدان وحدت در صفوف کمونیستی در بعضی کشورها در نا امید شدن آنها از فروپاشی سرمایه داری در اثر بحران و در نا امیدی از حل سریع تمام مسایل بوسیله سوسیالیسم و با پدید آیش جامعه نوین قرار داشته باشد. بدون شک تاثیر این دو ضریب متقابل اما مکمل، بر آرزوهای بسیاری از کمونیست ها می باید تردید و آشفتگی درباره مناسب بودن مفاهیم تئوریک جا افتاده را بوجود آورده باشد. این امر برخی را به زیر سوال بردن اعتبار چینه هایی از مارکسیسم لنینیسم (یا اینکه) به رو آوردن به دیگر منابع الهام می کشاند. امری که منجر به تیرگی روابط درون احزاب و حتی انشعاب می شود. بهتر است آنها را مناسب ترین عوامل عینی مسبب اختلاف و جدایی بدانیم تا "تغییرات اجتماعی در جمعیت". در هر صورت نه تنها نیازمند درک روندهایی هستیم که موجب اختلاف و جدایی بقیه در صفحه بعد

وحدت و تنوع

بقیه از صفحه قبل

می شوند بلکه همچنین نیازمند یافتن راه‌هایی برای غلبه بر پراکندگی، بوجود آوردن و حفظ وحدت از طریق بحث صریح امارفیکانه حول موارد اختلاف در چارچوب سانترالیسم دمکراتیک هستیم، چیزی که آنگاه می‌تواند مفید واقع شود که با میزان قابل ملاحظه‌ای تحمل همراه گردد.

زئون زورزوبلیس گفت در یونان اتفاقی افتاده است که نتیجه منطقی فعالیت انشعاب‌یون در جنبش کمونیستی و کارگری است. باصطلاح حزب داخلی که سال ۱۹۶۸ در مقابل حزب کمونیست یونان قد علم کرده بود، چهارمین کنگره‌اش را در آتن برگزار کرد، کنگره‌ای که راه‌های رشد و تکامل آنرا معین کرد. قرار است بفاصله یکسال کنگره دیگری که در مورد تاسیس "سازمانی جدید" با اسانامه‌ای جدید، و نام آن تصمیم بگیرد، تشکیل گردد. چنین است حاصل روند طولانی انحراف "داخلی‌ها" از بنیادهای مارکسیسم - لنینیسم در تئوری و عمل سازمانی، ضدشوروی بودن و امتناع از پیشبرد مبارزه‌ای سیاسی برای خروج یونان از ناتو و بازار مشترک اروپا، او گفت این تحول در اثر مطلق کردن تغییرات روی داده در ساختار و شرایط مادی طبقه کارگر، از دست دادن دورنمای طبقاتی و انتقال مکانیکی تجربه برخی احزاب دیگر که در شرایط متفاوتی فعالیت می‌کنند به سرزمین ما بوجود آمده بود. کمونیست‌های یونان معتقدند که تصمیم حزب کمونیست یونان (داخلی) به دگرگونی در پی آن بوجود آوردن یک "سازمان جدید"، همکاری نیروهای دست چپی و مترقی را در مبارزه باخطر تغییر واقعی در کشور آن‌ها نخواهد کرد.

گریگوری وادالزوف در این مورد گفت که تعیین کردن علل عینی و ذهنی که موجب پدید آمدن حزبی می‌شوند به هیچ وجه معنی‌تلاش برای توجیه آن نیست. این صرفاً پدیده بالفعلی است که چونکنگ‌اش باید روشن گردد. بدیهی است که این‌ها خود تفکیک درونی طبقه کارگر، بلکه در مواردی، ناتوانی کمونیست‌ها در متحد کردن گردانهای مختلف طبقه کارگر در یک کل واحد است که منجر به انشعاب می‌شود. این امر آنقدر ناشی از فشار ایدئولوژی بورژوازی نیست بلکه ناشی از ناتوانی یا امتناع از مقاومت در برابر آن است. او از نتیجه‌گیری راندى اوهمان که بر پیچیدگی روندی که می‌تواند حزب واحد را در یک کشور بوجود آورده و تحکیم بخشد تاکید داشت، پشتیبانی کرد و اضافه کرد که گاهی نه فقط یک حزب بلکه هر دو حزب موازی هستند که نادرست عمل می‌کنند. او به احتمال بودن وضعیت دیتاری هم که در آن عناصری از حقیقت در استراتژی و تاکتیک هر دو حزب وجود داشته باشد معتقد بود. شرکت کنندگان در مباحث توافق داشتند که این پدیده دردناک نیازمند تجزیه و تحلیل همه جانبه، بدون ساده‌انگاری، هر گونه تقسیم آکید به سیاه و سفید است.

همبستگی بین‌المللی؛ برخی جنبه‌ها

در مباحثه گفته شد که کمونیست‌های کشورهای مختلف امروزه وظایف مشترک بیشتری نسبت به آنچه در گذشته داشتند، دارند؛ حل مسائل عام جهانی، بالاتر از همه جلوگیری از جنگ و حفظ صلح بر روی زمین؛ سمت دادن به دستاوردهای انقلاب علمی فنی بنفع بشر بطور کلی؛ غلبه بر شکاف فزاینده اقتصادی و اجتماعی بین "شمال و جنوب"، بین کشورهای "فقیر و غنی"؛ حفاظت از محیط زیست و غیره. نیاز به هماهنگی بیشتر مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان علیه سلطه شرکت‌های فراملی و تلاش سرمایه انحصاری برای تابع کردن زندگی تمام خلق‌ها به منافع خویش با حدت باز هم بیشتری

احساس می‌شود. از آنجا که جنبه‌های بسیار متفاوت اما متقابل پیوسته‌گسترش و تکامل جهان بایکدیگر در هم تنیده‌اند، حل‌مسائل همبستگی بین‌المللی کاملاً با ضرورت تعقیب همکاری میان گروه‌های دارای موقعیت‌های مختلفی چون جنبش طبقه کارگر، نیروهای دمکراتیک و ضدامپریالیست، و تمامی آنهایی که نگران خطر فاجعه هسته‌ای هستند، پیوند دارد.

چنین نوعی از هم‌کاری بر کدام موازین می‌تواند استوار گردد؟ قدیم حبیب گفت که وظیفه نخستین تاکید هر چه بیشتر بر انترناسیونالیسم پرولتری در درون خود جنبش طبقه کارگر بر پایه همبستگی جنبش کمونیستی، و گسترش و تکامل همبستگی با دیگر نیروهای انقلابی است. یوری کراسین اظهار داشت که باید جنبه‌های مثبت نظراتی که طرفداران "انترناسیونالیسم جدید" ابراز می‌دارند را نیز در نظر داشت که مقصود از آن ضرورت تلاش در راه وسیع‌ترین محدوده همبستگی، یعنی محدوده‌ای است که هنگام در خطر قرار گرفتن نفس بقای بشریت، از مرزهای طبقاتی و ملی فراتر می‌رود.

بسیاری از شرکت کنندگان تاکید داشتند که ضرورت عینی برای توسعه جبهه همبستگی، نه تنها ناشی از تقویت همکاری بین نیروهای خط مقدم جبهه طبقه کارگر و در درجه نخست کمونیست‌ها نیست، بلکه برعکس آنرا می‌طلبد. روی هم رفته کمونیست‌ها نیروی هدنده اصلی مبارزه جهانی برای حفظ تمدن ما هستند. ضرورت همبستگی احزاب برادر و ضرورت موثرتر کردن آن، بویژه در شرایط سیاست نوجوان گسترانده‌ای (نئوگلوبالیسم) که توسط نیروهای امپریالیستی اعمال می‌شود، بیش از هر زمان روشن است.

تبادل نظر زنده‌ای در مورد مسئله هماهنگی فعالیت کمونیست‌ها، طبقه کارگر و تمامی دیگر زحمتکشان در مبارزه علیه انحصارات فراملی انجام گرفت. راجا کالور گفت که شرکت‌های فراملی دشمن مشترک خلق‌های کشورهای سرمایه‌داری، هم صنعتی و هم کم‌توسعه، هستند و ضروری است که مقاومت در برابر سیاست غارت‌گر آن‌ها با تلاش مشترگی به پیش برده شود. برت رامسون گفت نباید تصور کرد که چنان مقاومتی تنها می‌تواند در مقیاس جهانی انجام گیرد. زیرا چنین تصویری منجر به انفعال طبقه کارگر در مبارزه‌اش در میهن برای کنترل انحصارات، مهار کردن قدرت آنها و حتی ملی کردن آن‌ها می‌شود.

گئورگ کواتسکی گفت مقاومت در برابر سرمایه در سطح ملی و بین‌المللی نیز مانند بسیاری دیگر از وجوه فعالیت کمونیستی نیاز به پیوسته‌خبر رسانی متقابل دارد. بطور مثال فراملی‌های فورد و اوپل در بسیاری از کشورهای اروپایی موسسات فرعی دارند و مدیریت‌های آنها مدخله این فراملی‌ها را در مبارزه اجتماعی کارگران و تصمیمات آنها را در مورد جابجائی تولید هماهنگ میکنند، در حالیکه گروه‌های احزاب کمونیست در این موسسات عمدتاً سرخود عمل می‌نمایند. حزب کمونیست آلمان معتقد است که ملاقات کمونیست‌های این کنسرن‌ها پیشرفت بزرگی بود و حزب آماده است تا چنین اقداماتی را توسعه دهد.

دومینگوس لویز تاکید داشت که کمونیست‌های کشورهای سرمایه‌داری صنعتی هنگام تعیین خط‌مشی تلاش‌های مشترک، نباید به اشتباه اروپا مرکزی (اوروسانترالیسم) دچار شوند. البته، تاثیرات بومی‌های نوین فنی، مسایل ناشی از توانایی سرمایه بزرگ برای انطباق با بحران، حفاظت از محیط زیست و غیره همگی اهمیت زیادی دارند، اما این کاملاً روشن است که در حال حاضر ضرورت مبرمی برای ابراز همبستگی بیشتر با نیروهای انقلابی کشورهای، توسعه نیافته، و بالاتر از همه برای هماهنگ کردن مقاومت در برابر ارتجاعی‌ترین محافظ تجاوزکار ایالات متحده و ناتو وجود دارد.

بین‌المللی شدن تولید سرمایه‌داری ضرورت

پیوند نزدیکتر فراگرد انقلابی در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را با جنبش طبقه کارگر و جنبش‌های دمکراتیک توده‌ای در دژهای صنعتی سرمایه‌داری، و با نقش فزاینده ندیای سوسیالیستی در حمایت از مبارزه آزادی‌بخش خلق‌ها و مهار تجاوزکارترین نیروهای امپریالیسم، بازم روشن‌تر می‌کند. قدیم حبیب و دونالد راموتار گفتند در اینجا مهم آن است که همبستگی بین‌المللی باید متوجه نه تنها تعادل جهانی بین‌ها بین دو سیستم اجتماعی جهانی بلکه همچنین عوامل مشخص مبارزه طبقاتی در هر کشور نیز باشد.

شرکت کنندگان هنگام بحث پیرامون مسایل و مشکلات گسترش و تکامل انترناسیونالیسم در میان کمونیست‌ها روی اهمیت درجه اول سیاست‌ها و اعمال سوسیالیسم و اقامه موجود تاکید داشتند. واضح است که موفقیت‌های سوسیالیسم واقعا موجود همیشه تاثیر مثبتی بر جنبش کمونیستی داشته و شکست‌ها، مشکلات و اشتباهات آن معضلاتی بوجود آورده است. پویایی فزاینده جامعه نوین و راهی که برای تغییرات کیفی پیموده است، تاثیر مثبتی بر گرایش اقشار گوناگون مردم در جهان سرمایه‌داری، و از جمله طبقه کارگر، نسبت به سوسیالیسم بوجود آورده است.

رونالد باوئر گفت این راه باید در نظر داشت که نمونه سوسیالیسم، آن اندازه‌ای که ربع قرن پیش تصور می‌شد، آگاهی زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری را انقلابی نکرده است. او فرمول‌بندی‌های جدید در اسناد کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی در مورد گوناگونی راه‌های رسیدن به سوسیالیسم، اهمیت تجربه کلکتیوری، و نیروی جاذبه بیشتر نظام سوسیالیستی در مقیاس جهانی را مورد توجه قرار داد و گفت همه اینها، به همراه یک ارزیابی واقع‌بینانه از سطح تکاملی که اتحاد شوروی به آن دست یافته، معین شده توسط کنگره، به برطرف کردن تعصبات، سو، تقاضات و یک جانبه‌نگری هنوز موجود در ارزیابی سوسیالیسم کمک می‌کند.

گئورگ کواتسکی گفت متحدین متعدد ما و خود ما اعتقاد داریم که خط‌مشی تسریع رشد اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی موفقیت آمیز خواهد بود و در نتیجه آن شرایط برای مبارزه حزب کمونیست آلمان غربی و تمامی دیگر نیروهای صلح و ترقی بهبود خواهد یافت. او قاطعانه "توصیه‌هایی" را که گاهی از طرف سوسیال دمکرات‌ها و سبزه‌ها به کمونیست‌ها مبنی بر حفظ فاصله با کشورهای سوسیالیستی و مرئی داشتن "همبستگی انتقادی" در رابطه با آنها می‌شود رد کرد. او گفت حزب کمونیست آلمان غربی این "توصیه‌ها" را رد می‌کند زیرا که چنان برخوردی نمی‌تواند می‌گنجد دورنمای سوسیالیستی به طبقه کارگر بدهد، و برای ما به معنی فاصله گرفتن ما از آینده خودمان است.

تاثیر سوسیالیسم بازناتاب خودبخودی روندهای گوناگون واقعی در مغز افراد در غرب نیست؛ برای آنکه تاثیر سوسیالیسم در جهت صحیح پرورش یابد، کمونیست‌های آلمان غربی فعالانه برای نشر اطلاعات درباره موفقیت‌های سوسیالیسم و افشا، تهاجمات ضدشوروی رسانه‌های گروهی بورژوازی تلاش می‌کنند. از جمله موثرترین این کارها در آلمان غربی "هفته‌های سوسیالیسم واقعی" بود که حزب کمونیست در سال ۱۹۸۲ و ۱۹۸۵ با دعوت از دهها نفر سخنران از جمهوری دمکراتیک آلمان و اتحاد شوروی برگزار کرد. این سخنرانان در تعداد زیادی مباحثه در سراسر کشور شرکت کردند و با مردمانی از اقشار گوناگون جامعه، از جمله با کسانی که معمولاً به دشواری می‌توان به اقداماتی که از طرف کمونیست‌ها سازمان‌دهی می‌شود جلبشان کرد، ملاقات کردند. چیز ارزشمند در این اقدامات، از جمله این بود که شرکت کنندگان در این میتینگ‌ها می‌توانستند سوالات خود را مستقیماً به منضمین چنان سوسیالیستی بدهند و پاسخ‌های مشخص دریافت دارند.

بقیه در صفحه بعد

اعلامیه مشترك ۱۸ سازمان عربي، كرد و ايراني در يوكسلاوي

جنگ بايد پايان يابد!

در تاريخ ۲۴ ژانويه ۱۹۸۷، ۱۷ سازمان عربي و كرد بهمهراه سازمان ما در يوكسلاوي اعلاميه اي به زبان عربي منتشر كردند و در آن خواهان قطع فوري جنگ شدند. در اين اعلاميه پس از تشریح دورچديد جنگ و اهداف توسعه طلبانه خميني که در حال حاضر چشم به بصره دوخته است، بر اين نکته تاکيد گرديده است که اين جنگ، جنگي است ارتجاعی که در نيروی ضد خلقی و ديکتاتوری خميني و صدام آنها پيش می‌برند. اعلاميه خاطر نشان می‌سازد که "استمرار حملات رژیم ايران بر ضد مصالح خلقهای ايران و عراق است." اعلاميه

تاکيد می‌کند که مقاومت خلق عراق در برابر توسعه‌طلبی‌های ارتجاعی خميني "به معنی دفاع از ديکتاتوری فاشیستی صدام حسين نيست." اعلاميه در پايان خواهسته‌های زیر را مطرح می‌سازد:
۱- توقف فوري کشتار
۲- تاحق دانستن ضميمه شدن خاک یک کشور به طرف مقابل.
۳- احترام به حق خلقها برای اين که خود رژیم سياسي و اجتماعي کشورشان را بر یک مبنای دموکراتیک برگزینند.
احزاب و سازمانهای زیر اعلاميه و انتشار یافته در يوكسلاوي

را امضا کرده اند:
حزب سوسیالیستی عربي بعث - سازمان يوكسلاوي -
اتحاديه میهنی دانشجویان سوریه - شاخه يوكسلاوي.
پيشاهنگان جنگ آزادی بخش خلق - نیروهای الساعقه، شاخه يوكسلاوي
اتحاديه میهنی دانشجویان لبنانی در سوریه
سازمان حزب کمونیست فلسطین در يوكسلاوي
اتحاديه میهنی دانشجویان اردنی در يوكسلاوي
انجمن دانشجویان یمنی در يوكسلاوي

- حزب سوسیالیستی یمن در يوكسلاوي
- سازمان حزب کمونیست اردن در يوكسلاوي
- سازمان حزب کمونیست لبنان در يوكسلاوي
- اتحاديه جوانان دموکرات لبنان در يوكسلاوي
- سازمان حزب کمونیست عراق در يوكسلاوي
- سازمان دانشجویان عراقی در يوكسلاوي
- اتحاديه دانشجویان کرد در اروپا - شاخه يوكسلاوي
- سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - يوكسلاوي
- سازمان جبهه خلق برای آزادی فلسطین در يوكسلاوي
- جبهه دموکراتیک میهنی سودان - يوكسلاوي
- سازمان جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین در يوكسلاوي ●

وحدت و تنوع...

بقیه از صفحه قبل

وضعیت خاص هر کشور احزاب برادر را قادر می‌سازد در عرصه میهن و بین‌المللی موثرتر عمل کنند، تاکيد کرد. گفته شد که مفهوم وحدت و تنوع که توسط اکثره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی فرمول بندی شد در این رابطه گویاست.

نیاز به جستجوی پاسخ‌های نظری برای این مسائل که توسط خود زندگی در مقابل احزاب کمونیست قرار گرفته‌اند در تمامی مباحثه احساس می‌شد. این یعنی گسترش و تکامل تئوری مارکسیسم-لنینیسم در انطباق با اوضاع و احوال روزگار ما، و در انطباق با نیازهای جدید و توانایی‌های جنبش کمونیستی و کاربرد منعطف آن در عمل در شرایط مشخص و تنوع فزاینده جهان معاصر است. در مباحثه روی ضرورت مقابله با هر گونه تلاش به منظور تحریف اصول بنیادی جهان‌بینی کمونیستی تاکيد شد. نظر عموم این بود که این مبارزه قبل از همه حل تعدادی مسایل مهم تئوریک و عملی را که در حال حاضر در مقابل احزاب برادر قرار دارد ایجاب می‌کند، زیرا مخالفان ما روی این امر که هنوز این مسایل حل نشده‌اند قمار می‌کنند. در مباحثه اظهار عقیده شد که ضرورت دارد گفتگوی سازنده با نمایندگان جریان‌های غیرمارکسیستی در طبقه کارگر، جنبش‌های ضد جنگ و دیگر جنبش‌های دموکراتیک به عمل آید، نه تنها با این نظر که همکاری با آنها گسترش یابد بلکه همچنین بخاطر نقش مثبتی که آشنایی حضوری با تجربه آنها می‌تواند برای تصحیح استراتژی و تاکتیک‌های کمونیستی داشته باشد.

در جریان مباحثه به اهمیت فزاینده عامل ذهنی در گسترش و تکامل جنبش کمونیستی توجه شد؛ فعالیت سیاسی کمونیست‌ها و توان آنها برای درک بوموقه تغییرات در حال جریان، تشخیص و استفاده حداکثر از ظرفیت‌های جدید، و عزم آنها برای دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده. گفته شد که بواسطه اهمیت این عامل، ارزیابی عینی از فعالیت خود از جانب هر حزب کارگری و کمونیستی و درک صحیح ویژگی‌های استراتژی و تاکتیک آن در مبارزه بخاطر صلح و سوسیالیسم، نقش فوق‌العاده‌ای می‌یابد. در مباحثه تاکيد شد که تمامی احزاب برادر متکی به خود، مستقل و برابر هستند. اما در عین حال که این احزاب نیروهای ملی‌نده، نیروهای بین‌المللی نیز هستند. گفته شد که شرایط متفاوتی که آنها مجبورند در آن کار کنند و عدم توافق در هر موضوعی، مانع فعال‌تر کردن همکاری بین کمونیست‌های کشورهای گوناگون نیست. اظهار تمایل شد که مجله صلح و سوسیالیسم بیشتر بازتاب دهنده نقطه نظرات متفاوت بوده، صفحات بیشتری از مجله را برای بحث پیرامون مسایل مبرم کنونی و عرضه پدیده‌ها و کراشات جدید در گسترش و تکامل جنبش کمونیستی و روندهای اجتماعی در مقیاس جهانی اختصاص دهد. ●

توضیحات:
۱ - کلیات آثار لنین به زبان انگلیسی جلد ۸ صفحه ۳۱۱
۲ - کارگران نچار و نچارهای کشتی‌سازی و کارگران ماهری که با سنگ یا مواد مشابهی (سیمان، مواد مصنوعی و غیره) چیز می‌سازند و سوار کنندگان قطعات م

کمونیسم، دشمن آشتی ناپذیر بهره‌کشی، ستم، تبعیض و نوید بخش صلح، آزادی و بهروزی برای بشریت است

پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات

مصوبات پلنوم «سازمان کارگران انقلابی ایران»

بهر محور اتحاد طبقه کارگر و تهیدستان (نیمه پرولتاریا) ممکن خواهد گردید. این نشریه همچنین نیروی محرکه اصلی انقلاب ایران را پرولتاریا و نیمه پرولتاریا معرفی نموده است. علاوه بر جبهه فوق این سازمان بر ضرورت شکل گیری یک جبهه واحد کارگری نیز تاکید نموده است که این جبهه نه مترادف جبهه خلق است نه جایگزین حزب طبقه کارگر و نه یک جبهه چپ. "غرض از این جبهه بکارچه کردن کارگران بمثابه فروشندگان نیروی کار، کمک به وحدت کارگران بمثابه یک طبقه، سوق دادن مبارزات پراکنده کارگران به مبارزه ای متحد و هماهنگ علیه استبداد و استثمار است." "غرض آنست که کارگران مبارزه یکپارچه و هم جهت علیه دیکتاتوری سرمایه و دشمن طبقاتی مشترک را تحت الشعاع اختلاف عقاید تفاوت های مذهبی و ایدئولوژیک و بیا وابستگی های حزبی و سازمانی خود قرار ندهند." پلاتفرم این جبهه "بر اساس مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط موجود مبارزه طبقاتی تنظیم شده است یعنی بر اساس مطالباتی که هم اکنون مبارزه برای آنها چه بطور سراسری و چه بطور پراکنده توسط خود کارگران به پیش برده می شود."

نشریه راه کارگر توضیح داده است که این جبهه نه مترادف جبهه خلق است و نه جایگزین حزب طبقه کارگر و نه یک جبهه چپ. این مصوبات راجع به تمایزات و رابطه این جبهه با اتحادیه و سندیکای سراسری کارگران سخنی نگفته است. همچنین راه کارگر با تاکید بر ضرورت تشکیل حزب واحد طبقه کارگر ایران قطعنامه ای در این رابطه انتشار داده است. در توضیحات این نشریه آمده است: "وحدت حزبی اساسا باید برپایه وحدت برنامه ای (برنامه حزب) صورت گیرد." "مبارزه ایدئولوژیک بر سر برنامه ها و مرزبندی های روش برنامه ای شرط مقدم و ضرور وحدت های اصولی است و باز روشن است که نهایت این روند نه به یگانگی تشکیلاتی همه سازمانها سیاسی درگیر در این مبارزه بلکه به جدائی کامل و قطعی چند جریان و طیف و بلور بندی و اتحاد در درون هر یک از طیفها منجر خواهد شد."

شماره ۲۵ نشریه "راه کارگر" ارگان سازمان کارگران انقلابی ایران قطعنامه های مصوب نشست کمیته مرکزی این سازمان در دیماه ۶۵ را انتشار داده است. این قطعنامه مابعد از ضرورت تشدید مبارزه برای تشکیل حزب واحد طبقه کارگر ایران، جبهه واحد کارگری و تاکتیک جبهه واحد دمکراتیک و ضد امپریالیستی.

مصوبات این پلنوم حاکی از چرخشی در مواضع این سازمان در پاره ای از مهمترین مسایل مربوطه به انقلاب ایران است. در توضیحات هیات تحریریه این نشریه در رابطه با این مصوبات آمده است که: "اگر پیروزی قطعی (یعنی بازگشت ناپذیری) انقلاب دمکراتیک در کشور ما منوط به فراوانی بی وقفه آن به انقلاب اجتماعی است، انقلاب اجتماعی نیز برای شعله ور شدن نیازمند گز کردن انقلاب دمکراتیک است... اگر درست است که جنبش انقلابی ایران در گام نخست با مطالبات عمومی دمکراتیک (که مطلقا مضمون بورژوازی و همگانی دارند) آغاز خواهد شد پس نادرست خواهد بود که در نخستین فاز انقلاب جنبش همگانی دمکراتیک را با پلاتفرمی مخاطب قرار دهیم که متضمن درخواست های انتقالی نیز هست. مادر عین حال که برنامه خود را برای انقلاب ایران (که شامل برنامه حداقل و برنامه انتقالی است) یکجا عرضه و تبلیغ می کنیم و از جامعیت آن دفاع می کنیم در نخستین گام انقلاب که خصلتی همگانی داشته و اولین هدفش سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است تنها مطالبات حداقل از برنامه خود را که هیچ عنصر سوسیالیستی در آن وجود ندارد و تماما در چارچوب بورژوا دمکراتیک است بعنوان پلاتفرم یک جبهه دمکراتیک و ضد امپریالیستی پیشنهاد می کنیم." بر این اساس و در این چارچوب برنامه این سازمان برای تشکیل جبهه واحد دمکراتیک و ضد امپریالیستی تنظیم و انتشار یافته است. در این توضیحات همچنین آمده است "فرا تر رفتن انقلاب از چارچوب بورژوازی ضرورتا جایجایی های طبقاتی در صفوف جنبش دمکراتیک را سبب خواهد شد و تداوم انقلاب ایران اساسا

"لازم است برای تشکیل یک جبهه وسیع از احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیت های دمکرات ایرانی تلاش بیشتری بعمل آید. این جبهه باید در چارچوب اصول کلی پیشنهاد شده در شماره ۱۱۴ "کوردستان" و همچنین در پرتو گفتگوها و نشستهای دبیر کل حزب در طول سفرش با طرفداران چنین جبهه ای، تشکیل شود و ورود به آن برای هر سازمان و گروه و شخصیتی که شرطهای عضویت در جبهه را دارا است، آزاد باشد."

بنا به خبر منتشره در شماره ۱۲۲ نشریه "کوردستان" ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران در آذرماه سال جاری پلنوم کمیته مرکزی این حزب برگزار گردید. در این پلنوم گزارش دفتر سیاسی بیرونی اوضاع ایران، جهان و منطقه، فعالیت یکساله تشکیلاتی و نظامی و... بررسی شد.

در زمینه طرح حزب به منظور ایجاد یک جبهه، پلنوم تاکید کرد:

فضای سالم مبارزه ایدئولوژیک

دمکراتیک و بدور از روشهایی که متناقضانه همچنان معمول است طرح نموده و مبارزه ایدئولوژیک را در چارچوب مناسبانی سالم و سازنده پیش برد. در این مقاله نوشته شده است: "برخورد سالم و سازنده مستلزم آنست که هر پدیده ای را بنام واقعی آن بنامیم و واقعیت ها را بمیل خود دستکاری نکنیم چه رسد به آن که آن را وارونه جلوه دهیم... برخورد سالم و سازنده باید با این هدف دنبال گردد که موانع واقعی موجود بر سر راه ایجاد وحدتی رزمنده در جنبش کمونیستی را از میان بردارد نه آن که در این راه موانع کاذب ایجاد کند." باید افزود نشریه فدایی در مبارزه ایدئولوژیک بالخصوص با سازمان ما هیچگاه خود را متعهد به بکارگیری سخنان فوق ندیده است.

نشریه فدایی در شماره ۲۳ خود مقاله ای در برخورد با اظهار نظر نشریه "راه کارگر" نسبت به پلنوم این سازمان انتشار داده است.

در این مقاله از تصمیم راه کارگر در پذیرش همکاری و اتحاد عمل با این سازمان استقبال بعمل آمده و این تصمیم گامی مثبت در راستای پاسخگویی به الزامات جنبش ارزیابی شده است. در این مقاله شیوه راه کارگر در مبارزه ایدئولوژیک مورد انتقاد قرار گرفته و طرح گردیده است که راه کارگر تمامی مواضع این سازمان را ۱۸۰ درجه وارونه جلوه داده و نتایج دلخواه خود را گرفته است. در این مقاله از راه کارگر دعوت شده که مسائل و اختلافات را هر چندر هم که مهم باشند بشکل سالم و

رهنمود کیهان لندن به جمهوری اسلامی

خود را در قبال افغانستان تشدید کند و بر حمایت از ضد انقلابیون و آشرا افغانی تحت الحمایه خود بیافزاید. رژیم جمهوری اسلامی که از همان آغاز حیات خویش از هیچگونه اقدامی در جهت ضربه زدن به انقلاب افغانستان و گسترش جنگ داخلی در این کشور دریغ ننموده است در شرایط ایجاد امکان پیشرفت روند مصالحه ملی، تلاش های مخرب خود در این زمینه افزوده است. اما نشریه کیهان لندن فعالیتش را بازم بیشتر جمهوری اسلامی را می طلبد.

نشریه کیهان لندن در شماره های ۱۴۰ و ۱۴۱ خویش جمهوری اسلامی را به عدم قاطعیت در قبال افغانستان متهم کرده است. این نشریه می نویسد: "ایران به اندازه پاکستان حق دارد در مذاکرات مربوطه به آینده افغانستان سهم باشد" و "مقامات جمهوری اسلامی هنوز دلایل قانع کننده ای ارائه نکرده اند که چرا ایران در مورد خروج قوای شوروی از افغانستان و مسایل مربوطه نقش فعالی بازی نمیکند." این نشریه به جمهوری اسلامی رهنمود می دهد که نقش مخرب

اسرائیل صیدار اربهاران کرد

دوشنبه گذشته هواپیماهای جنگی اسرائیل بار دیگر مناطق اطراف بندر صیدا در جنوب لبنان را بمباران کردند. در روز جمعه ۲۹ اسفند، اسرائیل صیدا را مورد حمله قرار داده بود. در حمله دوشنبه هواپیماهای اسرائیلی اردوگاه فلسطینی عین الحلوه و روستای مقدوشه مورد اصابت قرار گرفتند. در این حمله یک تن کشته و چندین نفر مجروح گشتند. به ادعای مقامات اسرائیلی، حمله دوشنبه گذشته به تلافی عملیات نیروهای مقاومت لبنان علیه ارتش صهیونیستی در جنوب لبنان صورت گرفت.

مبارزات کارگری در آلمان فدرال

در دو هفته گذشته مبارزات کارگران آلمان فدرال برای دستیابی به هفته کار ۲۵ ساعته باردیگر اوج گرفت. در سال ۱۹۸۴ اعتصابات و تظاهرات کارگری به کاهش ساعات کار هفته از ۴۰ به ۳۸/۵ انجامید. اتحادیه‌های کارگری آلمان فدرال می‌خواهند سال ۱۹۸۷ را به سال به کرسی نشاندن ۲۵ ساعت کار در هفته تبدیل کنند تا از این طریق با بیکاری جمعی مقابله شده اوقات فراغت زحمتکشان افزایش یابد.

در روز چهارشنبه ۲۷ اسفند ۲۶ هزار کارگر از ۱۴۶ کارخانه دست به اعتصاب زدند تا از خواست سندیکای کارگران فلزکار برای کاهش ساعات کار حمایت کنند. مرکز نقل اعتصابات ایالت نورد راین - وستفالن بود.

در روز ۲۷ اسفند، ۶۰ هزار نفر در هانینگن و ابرهاوزن که هر دو از مراکز مهم صنعتی منطقه "رور" به شمار می‌آیند، دست به تظاهرات زدند و خواهان ۲۵ ساعت کار در هفته شدند. این تظاهرات همچنین علیه طرح شرکتی تولید فولاد برای اخراج ۶ هزار کارگر صنایع فولاد صورت گرفت.

سه شنبه گذشته نیز ۱۰ هزار تن از کارگران صنایع فلز در آلمان فدرال برای تاکید برخواست خود مبنی بر برقراری هفته کار ۲۵ ساعته دست به اعتصاب زدند. اتحادیه کارگران صنایع فلز اعلام کرد ظرف دو هفته گذشته مجموعاً ۳۸۰ هزار کارگر در ۱۵۰۰ کارخانه در اعتصابات شرکت کرده‌اند. علاوه بر کمیت بیسابقه اعتصابات اخیر،

از سوی دیگر اردوگاه‌های فلسطینی برج البراجنه و شتیلا هفته گذشته بار دیگر شاهد نبرد میان شبه نظامیان امل و فلسطینی‌ها بود. در این زدوخوردها که شدیدترین درگیریهای امل و فلسطینی‌ها طی هفته‌های گذشته بود، از تانک نیز استفاده شد. از آغاز ماه مارس که ارتش سوریه در بیروت مستقر شده است، ۲۹ تن در درگیریهای برج البراجنه و شتیلا کشته شده‌اند. اغلب این ۲۹ نفر زنان فلسطینی بودند که برای تهیه مواد غذایی از اردوگاهها خارج شده بودند.



مبارزات کارگری جاری در آلمان فدرال از لحاظ کیفی نیز گامی به جلو محسوب می‌شود. اتحادیه‌های کارگری خواست دولتی کردن صنایع فولاد را مطرح می‌کنند تا از این طریق بر بحران این صنایع غلبه شود.

همچنین اشکال مبارزاتی جدیدی از سوی اتحادیه‌های کارگری در دست بررسی است. بعنوان نمونه، اتحادیه کارگران چاپ آلمان فدرال مجاز بودن اشغال چاپخانه‌ها هنگام اعتصاب را به تصویب رسانده است زیرا در صنایع چاپ کارفرمایان می‌توانند با استفاده از روشهای جدید در هنگام اعتصاب حتی در صورت عدم حضور اکثریت قریب به اتفاق کارکنان به تولید ادامه دهند.

سفر و این برگر به ترکیه

هفته گذشته و این برگر وزیر دفاع آمریکا به ترکیه رفت تا با مقامات این کشور درباره گسترش همکاریهای نظامی واشنگتن و آنکارا گفتگو کند. در مذاکرات و این برگر با مقامات رژیم ترکیه موضوع تمدید "قرارداد همکاریهای نظامی و اقتصادی" بین دو کشور مورد بررسی قرار گرفت. طبق این قرارداد کمکهای نظامی آمریکا به ترکیه در سال ۱۹۸۷ حجمی معادل یک میلیارد دلار را در بر می‌گیرد. از این رقم، ۵۰۰ میلیون دلار صرف اختصاص اعتبار و وام و ۵۰۰ میلیون دلار دیگر صرف تحویل مستقیم جنگ افزار خواهد شد. آمریکا صنایع تسلیحاتی ترکیه را مد نظر خواهد کرد. دو کشور دست به تولید مشترک بمب افکن‌های اف ۱۶ خواهند زد. همچنین ایالات متحده ۴۰ فروند هواپیمای اف ۴- به ترکیه

علاوه بر سفر و این برگر به ترکیه، وحید خلف اوغلو وزیر خارجه ترکیه از واشنگتن دیداری به عمل آورد. در این دیدار قرارداد همکاریهای نظامی دو کشور تا ۱۸ دسامبر ۱۹۹۰ به امضا رسید.

اخبار کوتاه

● در روز یکشنبه ۲۲ مارس نزدیک به یک میلیون نفر از مردم فرانسه در پاریس در پاسخ به فراخوان اتحادیه کارگری ث. ژ. ت برای تحقق تامین اجتماعی دست به تظاهرات زدند. هانری کراسوکی رهبر این اتحادیه طی سخنانی در تظاهرات میلیونی پاریس از سیاست ضد اجتماعی دولت شیراک که عواقب وخیم آن به ویژه متوجه بازنشستگان و بیکاران است، انتقاد کرد.

● از بیش از دو هفته پیش کارکنان رشته حمل و نقل در آفریقای جنوبی دست به اعتصاب زده‌اند. در حدود ۱۱ هزار تن از کارکنان شرکتهای دولتی رشته حمل و نقل که اکثر آنها سپاهپوست هستند، علیه اخراج گروهی از کارگران به دلایل نژادپرستانه، اعتصاب کرده‌اند. اعتصاب، همه فرودگاهها و ایستگاههای مهم راه آهن کشور را در بر گرفته است.

● ارتش ترکیه در نزدیکی مرز این کشور با عراق ۹ نفر را به بهانه وابستگی آنها به گروههای مبارز کرد به قتل رساند. در اطلاعیه‌های نظامی منتشره از سوی ستاد ارتش در آنکارا گفته شده است این ۹ تن در درگیری با سربازان ترک کشته شده‌اند.

● بدنبال تصمیم دولت یوگسلاوی دایر بر عدم افزایش دستمزدها، طی هفته‌های گذشته موجی از اعتصابات این کشور را فرا گرفت. به گزارش منابع رسمی در یوگسلاوی در ۷۰ موسسه علیه این تصمیم دولت اعتصاب انجام شد.

● خبرگزاری شوروی تاس در تفسیری نوشت آمریکا با تحویل سلاح به ضد انقلابیون افغانی بر سر راه حل بحران پیرامون افغانستان مانع ایجاد کرده است. به گزارش این خبرگزاری، به دنبال تحویل ۱۵۰ موشک ضد هوایی استینگر به اشرار افغانی، آمریکا در صدد است ۲۰۰ موشک دیگر از این نوع در اختیار آنها بگذارد. تاس می‌افزاید علی‌رغم این توطئه‌های آمریکا، تاکنون ۴۴ هزار تن از مهاجران افغانی به میهن خود بازگشته‌اند و ۱۰ هزار نفر از اعضای سابق باندهای مسلح به انقلاب پیوسته‌اند.

● نماینده جنبش استقلال طلبانه تیمور شرقی در لیسبون اعلام کرد در حال حاضر ۳۵ هزار تن از نفرات ارتش اندونزی برای سرکوب این جنبش به جزیره مزبور اعزام شده‌اند. عنوان عملیات ارتش اندونزی که در ژوئیه ۱۹۸۶ آغاز شده، "نابودی" است. ۶۰ هواپیمای جنگی در این عملیات شرکت دارند. تیمور شرقی مستعمره پیشین پرتغال در سال ۱۹۷۵ به اشغال ارتش اندونزی درآمد.

● در انتخابات پارلمان ایالت کرا لا واقع در جنوب هند که ۲۵ میلیون نفر جمعیت دارد، جبهه چپ تحت رهبری کمونیستها توانست ۷۵ کرسی از ۱۲۸ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهد. تا پیش از انتخابات این جبهه ۶۲ کرسی در اختیار داشت. "جبهه متحد دمکراتیک" که رهبری آن در دست حزب کنگره راجیوگانندی نخست وزیر هند است تنها ۶۱ کرسی بدست آورد، در حالیکه شان نمایندگان این جبهه تا پیش از این ۷۷ نفر بود. در ایالت بنگال نیز جبهه چپ اکثریت نیرومند خود را حفظ کرد.

